

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۰۹ اکتوبر ۲۰۱۹

امنیت و ثبات نسبی «روژآوا»، خاری در چشم حکومت‌ها به‌ویژه حکومت فاشیستی ترکیه!

مقدمه

بازی‌های سیاسی خطرناک و طرح‌های جنایت‌کارانه و چند جانبه‌ای علیه کنفدرالیسم دموکراتیک کردستان سوریه (روژآوا) در جریان است. در حالی که حکومت اسلامی ایران، حکومت روسیه و حکومت مرکزی سوریه از طرح حکومت ترکیه بر علیه روژآوا خرسندند و حمایت می‌کنند در این میان، موش و گربه بازی‌ها ترمپ رئیس جمهوری امریکا و رجب طیب اردوخان رئیس جمهوری ترکیه، از همه جالب‌تر است. ترمپ اعلام کرده است که نیروهایش را سوریه خارج می‌کند.

در حالی که ترکیه با بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبه‌رو است با این وجود، اردوخان رئیس جمهور دیکتاتور ترکیه، همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد. اکنون کاروان‌ها و تجهیزات نظامی ترکیه در مرز این کشور با سوریه مستقر شده‌اند. ترکیه تجهیزات و نیروهای نظامی خود را به آچه قلعه، واقع در منطقه مرزی جنوب شرقی، انتقال داده است. این خبر را آناتولی، خبرگزاری دولتی ترکیه منتشر کرده است. به گزارش آناتولی، این سربازان و خودروها از شانلی اورفه مرکز استانی به‌همین نام در جنوب شرقی ترکیه به منطقه مرزی آمده‌اند. ترکیه در آنجا، در ماه مارس یک مرکز فرماندهی را برای عملیات نظامی احتمالی در شمال سوریه بر پا کرده است.

رجب طیب اردوخان، روز شنبه پنجم اکتبر تصریح کرد که ترکیه در آستانه شروع عملیات نظامی در سوریه به سر می‌برد که «هم از طریق هوا و هم به وسیله نیروی زمینی» انجام خواهد گرفت.

چند ماه است که حکومت‌های ترکیه و امریکا بر سر تشکیل «منطقه امن» با همدیگر گفتگو می‌کنند و حتی گفته می‌شوند گشت زنی‌های مشترک نظامی هم در مرزهای ترکیه و روژآوا با همدیگر دارند.



در چنین روندی دفتر رئیس‌جمهوری ترکیه روز یکشنبه چهاردهم مهر ۱۳۹۸ - ششم اکتبر ۲۰۱۹، اعلام کرد که اردوخان برای دیدار با دونالد ترامپ و گفت‌وگو در مورد تشکیل مناطق امن در شمال سوریه، مناطقی که محل حضور یگان‌های مدافع خلق کرد است، ماه آینده راهی واشینگتن می‌شود.

کاخ سفید نیز پس تماس تلفنی اردوخان و ترامپ پیش از پایان روز یکشنبه ۱۴ مهر ماه به وقت امریکا بیانیه‌ای منتشر کرده است.

دولت امریکا در بیانیه‌ای گفته است «ترکیه به‌زودی عملیاتی که مدت‌هاست برنامهریزی کرده را در شمال سوریه آغاز خواهد کرد.»

در این بیانیه آمده است: «نیروهای نظامی ایالات متحده از این عملیات حمایت نخواهند کرد و نقشی نیز در آن نخواهند داشت؛ و نیروهای ایالات متحده، در حالی‌که به کار «خلافت» داعش در مناطق تحت کنترل آن‌ها (در سوریه) پایان داده‌اند، دیگر در مناطق پیرامون آن نخواهند بود.»

کاخ سفید در عین حال، تأیید کرده که ترکیه در صورت عملیات، تمامی زندانیان گروه «حکومت اسلامی» (داعش) که طی دو سال گذشته اسیر شده‌اند را، در اختیار خواهد گرفت.

روز دوشنبه هفتم اکتبر رسانه‌ها خبر دادند که نیروهای نظامی امریکا خروج خود از مناطق مرزی سوریه با ترکیه را آغاز کرده‌اند. رئیس‌جمهوری امریکا درباره این اقدام کشورش با انتشار یک رشته‌توییت توضیحاتی داد.

دونالد ترامپ، با رد انتقادات از تصمیم خود برای خروج نیروهای امریکائی از شمال سوریه، گفت که نمی‌خواهد امریکا درگیر جنگ‌های بی‌پایان باشد و از زمان نامزدی در انتخابات گفته بود که هدف او بازگرداندن نیروهای امریکا است. با این حال ترامپ دوشنبه شب در پاسخ به انتقادات گفت او طرف کسی را نگرفته، بلکه یکی از وعده‌های او بازگرداندن سربازان امریکائی از جنگ‌های غیرضروری بوده است. او گفت که یکی از سخت‌ترین کارهای او نوشتن نامه برای خانواده سربازان امریکائی است که کشته شدند.

ترامپ، همچنین روز دوشنبه ۷ اکتبر - ۱۵ مهر، در پیامی تویتری نوشت: «همان‌طور که پیش‌تر این را با قدرت گفته‌ام، این‌جا نیز از جهت تأکید دوباره می‌گویم که اگر ترکیه دست به هرکاری بزند که من، با خرد شگرف و بی‌مانندم، آن را فراتر از محدوده‌های (مجاز) بدانم، اقتصاد ترکیه را کاملاً ویران و نابود خواهیم کرد.» (این کار را قبلاً هم انجام داده‌ام!)



عواقب حمله ترکیه به روژآوا

اکنون ایالات متحده با تغییر سیاست، با بیرون بردن حدود هزار نفر نیروی نظامی خود از آن منطقه عملاً راه را برای عملیات ترکیه در این منطقه باز خواهد گذاشت. نیروهای ارتش امریکا در سال ۲۰۱۵ برای مقابله با داعش به سوریه اعزام شدند.

رجب طیب اردوخان، رئیس‌جمهوری جنگ‌طلب و مستبد ترکیه، روز شنبه هشدار داده بود کشورش در شمال شرق سوریه، منطقه‌ای که نیروهای ایالات متحده نیز در آن مستقر هستند، دست به عملیات نظامی خواهد زد.

هم‌اکنون نیز در خبرها آمده که ترکیه نیروی نظامی خود در مرز با مناطق کردنشین شمال سوریه را تقویت کرده است و مولود چاوش‌اغلو، وزیر خارجه ترکیه در یک توییت نوشته است که «ما مصمم هستیم با پاکسازی تروریست‌ها در منطقه موجودیت کشور خودمان را تضمین کنیم.»

بدن ترتیب، هر چه بازی‌های موش و گربه بازی ترمپ و اردوخان، سنگینی حمله به روژآوا را بیش‌تر شده است. به همین دلیل، با سنگین شدن سایه تهدید نظامی ترکیه علیه روژآوا، سازمان ملل متحد نسبت به «خونریزی‌ها» و «آوارگی» اهالی منطقه ابراز نگرانی کرده و گفته است که «در حال آماده شده برای بدترین سناریو است.»

اتحادیه اروپا نیز هشدار داده است که در شمال سوریه «باری دیگر، این غیرنظامیان خواهند بود که ناچار می‌شود تاوان عملیات نظامی را پس بدهند.»

اکنون اگر این حمله هوایی و زمینی ترکیه علیه مردم روژآوا و نیروهای مدافع خلق روژآوا آغاز شود عواقب مختلف و غیرقابل جبرانی خواهد داشت. احتمال دارد در همان ساعات نخست، هزاران انسان بی‌گناه جان خود را از دست بدهند و یا زخمی شوند. همچنین میلیون‌ها تن نیز آواره خواهند شد.

دوم این که «داعش» جان تازه‌ای خواهد گرفت. اکنون هزاران تروریست داعش که در زندان‌های روژآوا، نگهداری می‌شوند آزاد خواهند شد و به جبهه‌های جنگ برخوانند گشت.

سوم این که همچنین پنج میلیون انسان در این منطقه زندگی می‌کنند. بخشی از این جمعیت شهروندانی هستند که از تمامی دیگر مناطق سوریه گریخته و به‌دنبال منطقه‌ای آرام در این بخش مستقر شده‌اند بار دیگر آواره خواهند شد.

چهارم این که به احتمال قوی صدها هزار از مردم عترض ترکیه و ضدجنگ به‌ویژه مردم کرد همانند محله داعش به کوبانی و حمایت حکومت ترکیه از داعش به خیابان‌ها ریختند و حدود ۴۰ نفر با تیراندازی مأمورین ترکیه جان باختند، این بار نیز به خیابان‌ها بیایند.

اما شکی نیست که در درازمدت، یک جنگ مقاومت مردمی و حق طلب در روژآوا و منطقه شکل خواهد گرفت و طبیعتاً ابعاد این جنگ به ترکیه، عراق، کردستان عراق، ایران و... نیز کشیده خواهد شد. در حال حاضر این کشورها دچار بحران‌های عیدیه‌ای هستند و خیزش‌ها و اعتراضات مردمی در جریان است.

در چنین شرایطی، وظیفه همه نیروهای آزادی‌خواه، برابری‌طلب و ضدجنگ منطقه و جهان است که برای ممانعت از حملات ترکیه به این منطقه و ساکنان آن به مبارزه برخیزند و به مسؤولیت‌های داوطلبانه سیاسی و اجتماعی و انسانی خویش عمل کنند.

کوبانی که او را «عین العرب» یعنی چشم عرب می‌دانند، هر روز وارد مرحله جدیدی از تحولات و درگیری‌های پیش‌بینی‌ناپذیری می‌شود که نشان‌دهنده مواضع کشورهای اطراف به‌ویژه ترکیه است. کوبانی امروز اگرچه به‌عنوان نماد استقامت برای بسیاری از مردم کرد و منطقه و حتی جهان تبدیل شده اما این کانتون در شمال سوریه و هم مرز با ترکیه قرار دارد بسیار حائز اهمیت است.

رویای بازسازی خلافت عثمانی برای ترکیه تحت رهبری اردوخان و حزبش، امروزه برای هیچ تحلیل‌گری پنهان نیست و حتی کارشناسان بر این باورند که حکومت ترکیه به‌دنبال اقتدار سیاسی خود در منطقه است و موضع ترکیه در برابر گروه‌های تروریستی و خطرناکی همچون داعش نیز بر این اساس تحلیل می‌شود. اما با فرو اقتدار داعش در سوریه و عراق، دشمنی حکومت ترکیه با روژآوا که داعش را شکست داده است بیش‌تر عیان می‌شود.

اگر واقعا اردوخان می‌خواهد به آوارگان رنجور سوری هم کمک‌رسانی کند و هم‌زمان امنیت مرزها را هم تامین نماید، در نهایت چاره‌ای ندارید جز این‌که با روزآوا ارتباط دوستی و دیپلماتیک برقرار کند. چرا که جهانیان نیز می‌دانند آن‌ها همسایه خوبی هستند و جز همبستگی انسانی، آزادی، برابری و دموکراسی چیز دیگری نمی‌خواهند به‌خصوص هیچ چشم‌داشتی و ادعائی به آن سوی مرز یعنی ترکیه ندارند.

از سوی دیگر، درگیری‌های خونین سوریه با حمله ترکیه به روزآوا خونین‌تر خواهد شد و ابعاد آن نیز گسترده‌تر. به خصوص این حمله جدید ترکیه به روزآوا، سبب شخوهد شد که میلیون تن از مردم روزآوا به مرزهای ترکیه هجوم بیاورند و به این ترتیب معضل پناهندگی حادثتر از گذشته خواهد شد. این مسئله را ادغان دو خومتش به خوبی می‌دانند. اما با این وجود، اردوخان باز هم به جنگ و لشکرکشی علیه روزآوا تاکید می‌ورزد آشکارا سیاست‌های جنگ‌طلبانه و غیره انسانی خود را به نمایش می‌گذارد و هم‌زمان نگاه ابزاری‌اش به پناهندگان را بیش از پیش برزو می‌دهد. پس درد و دغدغه اصلی اردوخان پایان دان به جنگ سوریه و حل اسکان دادن پناهندگان نیست بلکه درد او کشورگشائی و پیگیری سیستماتیک سیاست‌های عثمانی‌گری، تجاوزگری و اشغال‌گری است.

بنابراین، طبیعی است که حکومت ترکیه و مقامات فعلی آن، اهل میادله، معامله، مبالغه و جنگ‌طلبی ارزیابی کرد. ترکیه با استقرار تانک‌ها و نیروهای نظامی خود در مرزهای روزآوا با ترکیه، خصومت و دشمنی خود با سیستم دموکراتیک و خودگران روزآوا و مردم کرد را نشان می‌دهد.

در چنین شرایطی، اولاً حکومت ترکیه باید بداند که آن سور مرز نیروهائی که در حال آماده‌باش به‌سر می‌برند قهرمانانی سربلندی هستند که داعش را شکست داده‌اند و در عین حال از جنگ و خونریزی نفرت دارند و با تمام وجودشان عاشق آزادی، دوستی، همبستگی و زندگی‌اند.

به علاوه با نخستین تهاجم ارتش فاشیست ترکیه به روزآوا، درگیری‌های خیابانی بین معترضان ضدجنگ و انسان‌دوست کرد و ترک و ...، با پولیس ترکیه همانند سال ۲۰۱۴ در حمله داعش به کوبانی و حمایت حکومت و ارتش ترکیه از گروه تروریستی داعش، در شهرهای مختلف این کشور آغاز خواهد شد و ابعاد این اعتراضات به همه قاره‌ها جهان کشیده خواهد شد. مردم آزاده ترکیه و کشورهای دیگر، به خیابان‌ها خواهند ریخت تا سیاست‌های فاشیستی، جنگ‌طلبی و کشورگشائی دولت ترکیه خود را به گوش جهانیان برسانند و اردوخان را رسوا کنند. بنابراین دولت ترکیه بداند که مردم روزآوا تنها نسیتند و در ابعاد جهانی، حامیان زیادی دارند.

در چنین شرایطی، فعلاً دولت‌های به اصطلاح متمدن و طرفدار صلح و حقوق بشر جهانی، با در نظر گرفتن منافع خود در رابطه با جنگ طلبی حکومت ترکیه، مهر سکوت به لب زده‌اند. در حالی که در هشت سال جنگ داخلی سوریه، این نیروهای جسور زند و مرد ورزآوا بودند که با تاسیس کنفدرالیسم دموکراتیک، درهای فقیرانه خود را با آغوش باز به روی پناهندگان که از جنگ حکومت سوریه و نیروهای مخالفش از شهرها و روستاهای می‌گریختند، باز گذاشتند. از سوی دیگر، یگان‌های مدافع خلق که پیام‌آوران آزادی، برابری، دموکراسی، صلح و امنیت هستند نه تنها با تمام قدرت و با جان‌فشانی‌های بی‌سابقه و تحسین‌برانگیزی در مقابل نیروهای تروریستی، به‌ویژه داعش ایستادند، بلکه این هیولای آدم‌خوار و خطرناک را شکست سختی دادند. آن‌ها این‌بار هم استقامت و جسارت و پایداری خود را به ارتش فاشیست و متجاوز ترکیه نیز نشان خواهند کرد.

نقشه مشترک اشغال‌گرانه ترکیه، سوریه، روسیه و ایران

میت ترکیه و استخبارات سوریه با میانجی‌گری روسیه و ایران در هفته‌های اخیر سلسله دیدارهایی با همدیگر انجام داده‌اند. گفته می‌شود که در دیدارهای مذکور به توافقی برای اشغال شمال سوریه دست یافته‌اند.

به‌گزارش خیرگزاری فرات، یکشنبه ۶ اکتبر ۲۰۱۹، در دیدارهای مذکور به توافقی برای اشغال شمال سوریه دست یافته‌اند تا در چهارچوب «پیمان آدانا»، مناطق مد نظر خویش را تقسیم کنند.

اعلام شد که دیدارها در تهران، مسکو، بغداد و حمیمیم انجام شده‌اند و هاکنان فیدان مستشار سازمان میت در برخی از آن‌ها راسا شرکت کرده است. دیدارها در چهارچوب پیمان آدانا همچنان ادامه دارند.

دولت ترکیه توافق امنیت مرزها را در روزهای ۵ و ۶ و ۷ آگوست با امریکا امضاء کرده است و در ابتدا آن را مثبت می‌دانست. اما اردوخان رئیس جمهوری ترکیه بعد از دیدار ۲۷ آگوست در روسیه، این توافق را رد کرده و برای اشغال منطقه خود را آماده کرد. تلاش‌ها برای اشغالگری پس از نشست میان اردوخان، پوتین و روحانی در آنکارا افزایش یافت.

بر اساس اطلاعات موجود، حکومت اردوخان که تاکنون از راه میانجی‌گری‌ها با حکومت سوریه در ارتباط بوده است، پس از نشست آنکارا، ارتباط شان گسترده‌تر شده است. بر اساس اطلاعات موجود در حمیمیم، تهران و مسکو دیدارهایی انجام شده است و هاکنان فیدان نیز در این دیدارها حضور داشته است. در رسانه‌ها نیز اعلام شد، مصطفی شنتوپ رئیس پارلمان ترکیه در بغداد با حکومت سوریه دیدارهایی انجام داده است.

حکومت اردوخان، برای دشمنی با مردم کرد، نشست‌ها و دیدارهایش با بشار اسد رئیس جمهوری سوریه را آغاز کرده است. تاکنون به او می‌گفتند «باید اسد قاتل کشور را سوزاند و نابود کرد.» اما اکنون توافق آدانا در ۱۹۹۸ را دوباره آماده می‌کنند و بر روی نکات مشترک توافق می‌کنند. شاخه اوراسیا و ارگنکون حکومت اردوخان می‌گویند، توافق آدانا نیز برای نابودی دستاوردهای خلق کورد کافی نیست.

گفته می‌شود در نشست میان میت و استخبارات سوریه که با میانجی‌گری روسیه و ایران انجام شده است، متعهد شده‌اند عملیات‌های ترکیه در منطقه برای تقسیم خاک سوریه نباشد، بلکه عملیات‌ها برای نابودی جایگاه کردها انجام شود و پس از خروج امریکا از منطقه در چهارچوب توافق آدانا، ترکیه به عمق ۵ کیلومتری عقب‌نشینی خواهد کرد.

در این دیدارها، اشاره شده است، پس از عملیات‌های حکومت ترکیه، دیرالزور، طبقا و حسکه به کنترل حکومت سوریه درخواهند آمد و سپس ترکیه از سایر مناطق شمال سوریه عقب خواهد نشست و در عمق ۵ کیلومتری مرزها مستقر خواهد شد. گفته می‌شود این نقشه برای شرق فرات است، همچنین در جرابلس، اعزاز، باب، عفرین و ادلب نیز نقشه عملی خواهد شد.

روسیه و ایران تلاش می‌کنند از راه این توافق ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا را از منطقه اخراج کنند و با هر شیوه‌ای از این نقشه حمایت می‌کنند.

این نقشه در چهارچوب نشست‌های دولت ترکیه و حکومت سوریه مورد بحث قرار گرفته است، مشخص نیست آیا به‌طور کامل پذیرفته شده است یا نه. اما سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه هفته گذشته اعلام کرد، ترکیه نگران است و این حق آن‌هاست و در مورد توافق آدانا سخن گفت. همچنین حکومت سوریه تلاش می‌کند نیروهای سوریه دمکراتیک را «تروریست» معرفی کند. حسن روحانی رئیس‌جمهوری اسلامی ایران نیز توافق آدانا را به‌عنوان راه حل نشان داد.

توافق‌نامه آدانا چیست؟

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه روز چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۷، در مسکو در دیدار با همتای ترکیه‌ای خود اجرای توافق‌نامه آدانا بین آنکارا و دمشق (۱۹۹۸) را به‌جای طرح ترکیه و امریکا برای ایجاد منطقه امن در شمال شرق سوریه روی میز مذاکرات قرار داد.

توافق‌نامه آدانا امضاء شده بین دو دولت ترکیه و سوریه در ژوئیه ۱۹۹۸ است که سه ماه بعد رسماً تصویب شد و دو کشور را از جنگی حتمی دور ساخت. آنکارا در آن زمان، نیروهای خود را در مرزهای سوریه مستقر و تهدید به جنگ کرده بود.

در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۹۸ در نشست‌هایی که دو هیأت سوریه و ترکیه در شهر آدانا داشتند، توافق‌نامه‌ای میان دو طرف برای همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم به امضاء رسید. در نشست یاد شده آنکارا بر خواسته‌هایش جهت پایان یافتن تنش موجود در روابط خود با دمشق تأکید کرده و در مورد واکنش خود به عدم پایبندی دمشق به تعهداتش هشدار داد.

اجرای توافق‌نامه آدانا به چه معناست؟

یک- این‌که بر اساس ضمیمه شماره چهار توافق‌نامه آدانا، به آنکارا این حق داده شود که اعضای حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) را تا عمق پنج کیلومتری شمال سوریه تحت تعقیب قرار دهد.

دو- دمشق طبق ضمیمه شماره سه این توافق‌نامه از هر گونه درخواست حقوق خود در تیپ اسکندرون که ترکیه آن را در سال ۱۹۳۹ به خاک خود ملحق کرده، منصرف شود.

سه- بر اساس متن توافق‌نامه، حزب کارگران کردستان به رهبری عبدالله اوجلان که از سال ۱۹۹۹ در ترکیه زندانی است، گروهی تروریستی محسوب شود.

چهار- بر اساس این توافق‌نامه آنکارا یگان‌های مدافع خلق کرد را با توجه به این‌که آن‌ها چتر حمایتی سوری حزب کارگران هستند، گروهی تروریستی می‌داند.

پنج- در مقابل اجرای توافق‌نامه به معنای به رسمیت شناخته شدن مشروعیت دولت سوریه از سوی آنکاراست، زیرا اجرای این توافق‌نامه نیازمند اقدامات بسیاری از جمله تشکیل یک کمیته مشترک و راه‌اندازی یک خط تماس است.

شش- همچنین اجرای این توافق‌نامه به معنای آغاز رایزنی‌های سیاسی مستقیم به جای رایزنی‌های غیرمستقیمی است که مولود چاوش‌اوغلو، وزیر خارجه ترکیه به آن‌ها اعتراف کرد و از طریق روسیه انجام می‌شوند.

هفت- همچنین این اقدام به منزله فعالیت دوباره سفارت ترکیه در دمشق و سفارت سوریه در آنکارا است، با توجه به این‌که دمشق یک کنسولگری در شهر استانبول دارد اما اجرای توافق‌نامه نیازمند انتصاب یک افسر ارتباط امنیتی در هر سفارتخانه‌ای است.

هشت- علاوه بر این‌ها، توافق‌نامه یاد شده به معنای استقرار نیروهای دولت سوریه در مرزها و به رسمیت شناختن مرزهای موجود است، گروه‌های مخالف افراطی کنترل مرزها از منطقه «سپر فرات» در جرابلس تا باب‌الهوری در ادلب و مرزهای لاذقیه در دریای مدیترانه را در دست دارند، این در حالی‌ست که نیروهای سوریه دموکراتیک که شامل یگان‌های مدافع خلق کرد می‌شوند، بر مرزها از جرابلس در شمال حلب تا فاش‌خابور در نزدیکی مرزهای عراق در شرق سوریه کنترل دارند.

نه- این توافق نامه به جای یادداشت تفاهم ترکیه-امریکا درباره عمق ۳۲ کیلومتری منطقه حائل در شمال شرق سوریه پیشنهاد شد چرا که با این توافق نامه نیروهای ترکیه ای اجازه نفوذ تا عمق تنها پنج کیلومتر را مینابند.

ده، با اجرای این توافق نامه یگان های مدافع خلق کرد از موضع درگیری با دمشق دور شده و روند مذاکرات جاری متوقف و طرح دولت خودگردان کردها که امریکائی ها و ائتلاف ضد داعش از ایجاد آن در شرق رودخانه فرات حمایت می کردند، نابود می شود.

در توافق نامه ۱۹۹۸ درخواست های ترکیه آمده که به این مضمون هستند:

- با توجه به این واقعیت که روابط ترکیه-سوریه پیش از این به دلیل حمایت سوریه از «تروریسم» آسیب جدی دیده ما از سوریه می خواهیم رسماً تعهدات خود را بپذیرد و از موضع گیری های سابق خود در این مورد دست بردارد. این تعهدات باید شامل تعهدی رسمی نسبت به حمایت نکردن از «تروریست ها» و پناه دادن و اعطای کمک مالی باشد. همچنین سوریه باید مجرمان حزب کارگران کردستان از جمله عبدالله اوجالان، رهبر حزب کارگران کردستان را محاکمه کرده و به ترکیه تحویل بدهد. (پیش از این دمشق اوجالان را به ترکیه تبعید کرده بود و مسؤولان آنکارا نیز به مسکو اطلاع دادند که او وارد خاک این کشور شده است.)

- در این چارچوب سوریه نباید به اردوگاه های آموزش «تروریست» ها اجازه فعالیت در مناطق تحت کنترل شان را بدهد و سلاح و تجهیزات لجستیک، مدارک شناسائی جعلی در اختیار حزب کارگران کردستان قرار ندهد، به «تروریست» ها برای ورود قانونی و نفوذ به ترکیه کمک نکند، اجازه فعالیت های تبلیغاتی سازمان تروریستی یعنی حزب کارگران کردستان را نداده و به اعضای این حزب اجازه ندهد پایگاه هایی را در خاک سوریه ایجاد و راه اندازی کنند، به عبور تروریست ها از کشورهای سوم به مقصد شمال عراق و ترکیه سهولت نبخشد.

- سوریه در تمامی فعالیت هایی که با هدف مبارزه با تروریسم انجام می شوند، همکاری کند.

- دمشق از تحریک دیگر کشورهای عضو اتحادیه عرب علیه ترکیه خودداری کند.

- با توجه به آنچه در گذشته رخ داده، اگر سوریه فوراً این اقدامات خود را متوقف نکند، ترکیه برای خود حق دفاع از خود و نیز تلافی خسارات مادی و تلفات انسانی قابل است. در واقع این پیشنهادات در تاریخ ۲۳ ژانویه ۱۹۹۶ از طریق کانال های دیپلماتیک به دمشق ابلاغ شدند اما هشدارهای ما از طرف کسی جدی گرفته نشدند.

منطقه «امن»

در ۱۶ مرداد ماه ترکیه و امریکا اعلام کرده بودند که برای ایجاد یک مرکز عملیات مشترک در ترکیه با هدف هماهنگی در رابطه با منطقه امن در شمال سوریه به توافق رسیده اند.

مذاکرات برای ایجاد منطقه حائل میان مقامات امریکا، ترکیه و شمال و شرق سوریه به گونه ای ادامه دارند. ترکیه پیشنهاد کرده است این منطقه از دیرک تا به پل قره قزاق به پهنای ۳۰ کیلومتر باشد. هم چنین این مناطق تحت کنترل ترکیه قرار داشته باشند.

مسئولین شمال و شرق سوریه اعلام کرده اند، طرحی را که ترکیه در آن جای بگیرد را به هیچ عنوان قبول نخواهند کرد و بایستی این منطقه تحت نظارت قدرت های بین المللی ایجاد شود. جای گرفتن ترکیه در میان قدرت های بین المللی به شرط پایان دادن به اشغال عفرین قابل قبول خواهد بود.

کلیه تبلیغات اردوخان جنبه اشغالگری و کشورگشائی و جنگ طلبی دارد. رک و راست اردوخان در تلاش است سیستم سیاسی روزاوا را نابود سازد آن هم در حالی که هیچ تهدیدی از این منطقه علیه حاکمیت ترکیه وجود ندارد.

نیروهای مدافع خلق مخالف تاسیس منطقه امن نیستند اما سر مساحت منطقه، نیروهائی که در آن مستقر خواهند شد، گشت زنی در این مناطق و وضعیت اشغال مورد بحث اصلی آنهاست.

آلدار خلیل، عضو شورای رهبری جنبش جامعه دمکراتیک، درباره پیشنهاد ترکیه برای ایجاد منطقه‌ای با عرض ۳۲ کیلومتر گفته است، «ترکیه برای منطقه حائل پیشنهاد کرده است که باید ۳۲ کیلومتر باشد... ترکیه آگاهانه این اقدامات را انجام می‌دهد و خواهان نابودی خودگردانی است. ما نیز اعلام کرده‌ایم که تا پنج کیلومتر مشکلی وجود ندارد، شهرها در این پنج کیلومتر قرار نخواهند گرفت، شهرهائی که در مرز قرار دارند بایستی خارج از این منطقه محسوب شوند. همچنین نیروهای محافظ مرزها نیز بایستی از اهالی منطقه باشند. درباره‌ی این مسأله گفت‌وگوها ادامه دارند و ترکیه نیز در داخل به توافقی دست نیافته است. اما ترکیه با تهدید و حمله خواهان تحمیل نظرات خود است.»

عضو شورای رهبری جنبش جامعه دمکراتیک با اشاره به آشوبگری‌های دولت ترک اظهار داشت: «با جنگ ویژه، جنگ نظامی و استخباراتی خواهان ایجاد آشوب در منطقه هستند. برای مثال مدتی قبل هاکان فیدان رئیس میت» گفت، «اگر خواهان جنگیدن باشیم از سوریه چند توپ را به ترکیه پرتاب کرده و جنگ را آغاز خواهیم کرد.»

در واقع حکومت ترکیه و در راس آن اردوخان، طرح‌های جنایت‌کارانه‌ای را علیه مناطق مدیریت خودگردان طرح‌ریزی نموده و خواهان بازگشت به دوران عثمانی است. به همین دلیل، اردوخان منطقه را تهدید می‌کند و ادعا دارد که امنیت ترکیه در خطر است. اما همگان می‌دانند که مدیریت خودگردان در مرزهای ترکیه هیچ حقی را نقض نکرده است. تنها دلیل تهدیدات دولت ترکیه، این است که از سیستم دمکراتیک و گسترش آن به منطقه واهمه دارد.

همان‌طور که گفته شد ترکیه خواهان منطقه‌ای امن با عرض بیش از ۳۰ کیلومتر است. نیروهای روژآوا نیز خواهان ۵ کیلومتر هستند. آن‌ها می‌پذیرند که منطقه‌ای امن با عرض ۵ کیلومتر ایجاد شود. همچنین آن‌ها می‌پذیرند که نیروهای ی.پ.گ را از این مناطق امن خارج کنند. همچنین می‌گویند سلاح‌های سنگین همچون تانک، توپ و... را نیز از این محدوده خارج کنند.

آن‌ها می‌گویند یک نیروی بین‌المللی وظیفه گشت‌زنی را بر عهده بگیرد. ائتلاف بین‌المللی و یا هر نیروئی دیگر. ترکیه در طرف دیگر است. یعنی می‌خواهند نیروئی بی‌طرف این مسؤلیت را بر عهده بگیرد.

آن‌ها خواهان این هستند که همه نیروهای ترکیه از تمامی کانتون عفرین خارج شوند. بایستی تروریستی‌های حامی ارتش ترکیه، از عفرین خارج شوند. مردم آواره عفرین، بدون هیچ‌گونه مانعی به خانه‌هایشان برگردند.

نهایتاً فرماندهان نیروهای مدافع خلق محکم و قاطع و در عین حال صراحتاً می‌گویند ما جنگ نمی‌خواهیم اما اگر این جنگ را ترکیه بر آن‌ها تحمیل کند با تمام قدرت در مقابل آن خواهند ایستاد.

فرماندهی کل نیروهای دمکراتیک سوریه، «مظلوم کوبانی» که در جنگ با داعش به ژنرال روژآوا معروف شده، گفته است که غیر از توافق ایجاد شده، آن‌ها حتی یک قدم دیگر نیز برنخواهند داشت.



آمد دجله در قرارگاه مرکزی نیروهای سوریه دمکراتیک در شمال سوریه، با فرماندهی کل نیروهای سوریه دمکراتیک مظلوم کوبانی گفت‌وگویی انجام داده و در خبرگزاری فرات نیوز انتشار یافته است. در این گفتگو مظلوم کوبانی در رابطه با تهدیدهای رجب طیب اردوخان سخن گفته است، پروسه‌ای که در آغاز امسال شروع شده بود، همچنان ادامه داشته و این پروسه منحصر به چند ماه اخیر نیست. اما بعد از آن که تهدیدات ادامه یافتند، فرایند دیالوگ تسریع شد. ما ترکیه را تهدید نمی‌کنیم. دلیلی برای حمله موجود نیست. ما طرفدار توافق بوده و خواستار کشف و افشای حقایق بوده‌ایم. کوبانی، ادامه داد؛ گفتگوهای ما با دولت ترک، مدت ۸ ماه است که به‌طور غیرمستقیم در جریان است. امریکا میانجی این گفت‌وگوهاست. امریکایی‌ها با مقامات ترک دیدار کرده و متعاقبا با ما دیدار نموده و نقطه نظرات ما را نیز به آن‌ها انتقال می‌دهند. بعد از این دیدارها غیر مستقیم بود که این فرایند در جریان سه ماده اصلی، به توافق منجر گردید. بعد از این دیدارها، ۸ ماه هماهنگی لازمی را که از آن اطلاع دارید، انجام شدند. این هماهنگی‌ها از سوی آنکارا و ما مورد تصویب قرار گرفت و اکنون وارد مرحله اجرایی شده است.

گام‌های اجرایی این توافق در سه مرحله، اجرایی می‌شوند. در سطوح هوایی، زمینی و با مشارکت امریکا، نیروها به گشت‌زنی دست می‌زنند. ما نیز در این راستا گام‌هایی را برداشتیم. از سوی ما مشکلی وجود ندارد. امریکایی‌ها اعلام نمودند که این فرایند فراتر از تصور آنان، وارد مرحله اجرا شده است. اگر این تفاهمنامه و توافق کاملا وارد مرحله اجرا شود، می‌تواند در راستای منافع طرفین بوده و نگرانی‌های تمامی طرفین را از میان بردارد. اما این نکته جالب توجه است که بعد از اجرایی شدن این توافق‌نامه، زبان اردوخان تغییر یافت. به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویا چنین توافقی وجود ندارد. اخیرا و بعد از کنفرانس آستانه ۵ اظهار داشت که اگر با امریکا توافقی ایجاد نشود، طی دو هفته دست به حمله می‌زند. طبق اطلاعات ما، خود وی این توافق‌نامه را پذیرفته و به مرحله اجرا نیز درآمده است.

مظلوم کوبانی در بخش دیگری از سخنان خود گفت: اردوخان در موقعیت بدی گیر کرده است، سیاست منطقه‌ای وی با بن‌بست مواجه شده است و از سوی دیگر، به امریکا و روسیه نیز قول داده است. این وضعیت به مرحله‌ای رسیده است که دیگر قادر به مانور و حرکت در منطقه نیست. در رابطه با هماهنگی برای امنیت مرزی نیز روسیه اعلام کرده است که این مسپله را با دیده مثبت می‌نگرد. اما از نگاه ما، اردوخان تلاش دارد روسیه، ایران و حکومت سوریه را با مخالفت مجدد با آن راضی نگاه دارد. اردوخان از سوی دیگر، واقعا در پی جنگ برآمده است، زیرا حاکمیت خود را به جنگ پیوند زده است. جنگی که در جنوب کوردستان در جریان است، برای تداوم حاکمیت وی کافی نبوده و از همین رو درصدد حمله به روژآوا نیز برآمده است. حاکمیت وی به لرزه درآمده است و حزب وی نیز دچار انشغاب شده است، از همین رو جنگ را به‌عنوان راه چاره‌ای برای خود می‌نگرد. حتی اگر فردا نیز برای وی امکان‌پذیر باشد، به حمله دست می‌زند و ما در مقابل این تهدیدها، تمهیدات لازم را برای خود می‌اندیشیم.

مظلوم کوبانی در رابطه با بیانیه‌ها و سخنرانی‌های اردوخان نیز گفت: این بیانیه‌ها دور از عقل و منطق بوده و بسیار خطرناک هستند. درصدد تجریه سوریه و تغییر بافت دموگرافیکی آن برآمده‌اند. بر این باور نیستیم که هیچ کسی بتواند این مسأله را بپذیرد. همه ما می‌خواهیم پناهندگان را قبول کنیم در منطقه ما در بروی پناهندگان باز است. چه کسی از کدام منطقه آواره شده باشد، باید به همان منطقه خود باز گردد. بدین منظور نیز باید صلح برقرار گشته و آتش‌بس اعلام شود. اما نه بر مبنای خواسته‌های اردوخان. اردوخان به ۳ میلیون پناهنده اشاره می‌کند و از این شمار، صرفا ۱۰ درصد از این پناهندگان متعلق به شمال سوریه هستند. تلاش دارد تا این عده را در منطقه ما جای دهد. می‌خواهد مسکن و کاشانه خلق‌های این منطقه را تحت کنترل خود درآورده به این پناهندگان مسکن بدهد. ساکنان این منطقه از حق برخوردار می‌مانند و زمین‌های خود برخوردارند. در منطقه ما یک وجب خاک خالی را نمی‌توان مشاهده کرد. تمامی

این منطقه، منطقه‌ای کشاورزی است. این املاک متعلق به صاحبان آن می‌باشد. صاحبان این املاک مشخص می‌باشند. اما اردوخان می‌خواهد این منطقه را نیز مانندعفرین به اشغال خود درآورده و ساکنان آن را آواره نماید. و این به معنی تغییر بافت دموگرافیک بوده و مایه پذیرش نیست.

اردوخان در رابطه با عفرین نیز می‌گوید: ۳۰۰ هزار نفر به خانه‌های خود بازگشته‌اند. درست است؛ ۳۰۰ هزار نفر را از این منطقه آواره کرده و ۳۰۰ هزار نفر دیگر را به جای آن‌ها نشانده است. ما این مسأله را قبول نمی‌کنیم. کسانی که در صفوف داعش جبهه النصره نبوده‌اند، می‌توانند باز گردند. و کسانی نیز که مرتکب جرم شده‌اند، باید محاکمه شوند. اردوخان تهدیدهای خود را تحت فشار ایران و روسیه انجام می‌دهد. این نیروهای خواهان آشفستگی در منطقه هستند. آن‌ها می‌خواهند که نیروهای رژیم سوریه در این مناطق استقرار یابند. اقداماتی را که در عفرین انجام دادند در اینجا نیز انجام دهند. آن‌ها می‌خواهند که در مرزها به جنگ بپردازند. نیروهای ما را از دیرالزور و رقا خارج کرده و روسیه و ایران در این مناطق مستقر شوند. در این چارچوب با ترکیه به توافق رسیده‌اند.

بیانیه خودمدیریتی دمکراتیک در مقابل تهدیدهای ترکیه

در بیانیه‌ای که به تاریخ شنبه ۵ اکتبر ۲۰۱۹، در خبرگزاری فرات منشر شده است، خودمدیریتی شمال و شرق سوریه اعلام کرده است که هرگونه حمله‌ای از سوی ترکیه تمام منطقه را به سوی فلاکتی بزرگ سوق خواهد داد. خودمدیریتی تاکید کرده است که از حق دفاع مشروع در صورت حمله ترکیه استفاده می‌کنند.



خودمدیریتی شمال و شرق سوریه در مورد تهدیدهای پیاپی دولت ترک علیه مناطق شمال و شرق سوریه بیانیه‌ای مکتوب منتشر کرد.

در بیانیه آمده است:

ق.س.د به نمایندگی از بشریت، داعش را در هم شکست

«طیف‌های خلق‌مان در شمال و شرق سوریه نقشی مهم را در محافظت از امنیت مناطق‌مان به انجام رساندند و تلاش‌ها برای تجزیه سوریه یا تجزیه اتحاد اجتماعی را نپذیرفتند، ما امنیت دولت‌های همسایه را در معرض تهدید قرار نداده‌ایم، بالعکس ما همیشه در تلاشیم تا میدان گفت‌وگو را فراهم کنیم و مناسب‌ترین راه حل را برای تمامی مسائل یافته‌ایم.

ما نقشی اساسی را بازی نموده و فداکاری بزرگی را نشان دادیم، ما با همکاری ائتلاف بین‌المللی داعش را در هم شکستیم و بیش‌تر از نیمی از خاک سوریه را از خطر ترور رها کردیم. ما به نمایندگی از جهان آزاد و بشریت در مقابل وحشیانه‌ترین سازمان تروریستی در عرصه نظامی و جنگ زمینی به پیروزی دست یافتیم. اما فکر و ایدئولوژی تروریست‌ها با وجود صدها هسته مخفی داعش که سال‌ها حاکمیت این مناطق را در دست داشته هنوز وجود دارد، همچنین در کنار آن هزاران عضو داعش و خانواده‌های آنان در کمپ‌ها و زندان‌های خودمدیریتی نگهداری می‌شوند. مبارزه ما با نابودی هسته‌های مخفی داعش و استقرار امنیت در منطقه همچنان ادامه دارد.

تداوم تهدیدهای ترکیه خطرناک می‌باشند و امنیت منطقه به‌ویژه استقرار مناطق رهاشده از چنگ داعش را که زندگی مسالمت‌آمیزی دارند با تهدید مواجه می‌کند. با وجود این‌که ما به تمام بندهای مکانیزم امنیت مشترک با میانجی‌گری امریکا برای جلوگیری از تکرار سناریوهای عفرین، اعزاز، باب و جرابلس عمل کرده‌ایم، رئیس جمهوری ترکیه امروز یکبار دیگر منطقه را تهدید به حمله کرد.

هر حمله‌ای فلاکتی بزرگ را در پی خواهد داشت

هرگونه حمله‌ای از سوی ترکیه امنیت و استقرار منطقه را از میان خواهد برد و خدمت به ترور است، همچنین فرصت ظهور مجدد داعش را فراهم کرده و بخش بزرگی از خاک سوریه را اشغال خواهد کرد. هم‌زمان شرایط لازم را برای فرار تبه‌کاران داعش از زندان‌ها فراهم نموده و امنیت کل منطقه و حتی جهان را با خطر مواجه می‌کنند. همچنین بحران سوریه را عمیق‌تر کرده و به آوارگی میلیون‌ها غیرنظامی سوریه در کشورهای جهان می‌انجامد، چنین وضعیتی فلاکت بزرگی را در پی خواهد داشت.

فراخوان

ما به عنوان خودمدیریتی شمال و شرق سوریه تمام طیف‌های خلق‌مان را فرامی‌خوانیم به گزینه‌ای که نابودی داعش و ترور را در پی داشت متعهد باشند. یکبار دیگر تاکید می‌کنیم که بیش از هر نیروی دیگری خواستار دموکراسی، اتحاد خاک سوریه و استقرار امنیت و صلح منطقه هستیم.

از تمام نهادهای جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد می‌خواهیم که ترکیه را تحت فشار قرار دهند تا از حمله منصرف شود. اردوخان از منزوی نمودن اراده خلق ما در کمیته تدوین قانون اساسی جسارت گرفته است. هم‌زمان از اتحادیه اروپا، نیروهای فعال در صحنه مبارزه ائتلاف بین‌المللی می‌خواهیم که در قبال تهدیدها و خطرهای ناشی از ترکیه موضع اخذ نمایند. ما به گفت‌وگو متعهد هستیم و تلاش ما ناشی از مسؤلیت‌پذیری برای دورکردن خطر جنگ ویرانگر در منطقه است. اما، اگر ترکیه به حمله دست زند ما هم از حق دفاع مشروع استفاده می‌کنیم. ما با قدرت، عزم و اراده از سرزمین‌مان، تمام طیف‌های خلقمان و دستاوردهایمان محافظت می‌کنیم.

طرح «کودتای نافرجام» و حمله به شمال سوریه و...

وقوع کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه، به دیکتاتوری مطلق اردوخان منجر شد. چرا که او تمام قوانین و بازی‌های دموکراسی پارلمانی را کنار گذاشت و همه قدرت را قبضه کرد و سیاست عامرانه پادشاهان عثمانی را در پیش گرفت. موقعیتی که همواره به دنبالش بود.

در سال‌های اخیر نقشه‌های پیشنهادی رجب طیب اردوخان، همواره جنگ‌طلبانه و فاشیستی بوده است تا این که در نهایت در سال ۲۰۱۶، ظاهراً یک گروه از نظامیان متمرّد برای کودتا تلاشی ناموفق را صورت دادند که منجر به تغییر کلی شرایط شد.

پس از این کودتا، اردوخان طرح‌های خود را یکی پس از دیگری به مرحله اجرا درآورد از جمله اعلام فوق‌العاده نظامی، اجرای تغییرات قانون اساسی، تشدید سانسور شدید بر رسانه‌ها و پاکسازی‌های وسیع در ارتش، پولیس، دادگستری، آموزش و پرورش، آموزش عالی، بهداشت و درمان، رسانه‌ها، سازمان‌ها و احزاب و... به دستور اردوخان، حدود ۲۰۰ هزار در نهادهای مختلف نظامی، سیاسی، فرهنگی و... از کار خود اخراج شدند و حدود ۳۰ هزار نفر نیز محاکمه و یا زندانی شدند. او لحن خود را نسبت به مردم کرد نیز خشن‌تر کرد. بنابراین اردوخان از قبل

طرح‌های آماده‌ای برای سرکوب همه‌جانبه مخالفین و منتقدین خود داشته که با سرکوب کودتای نافرجام، بلافاصله آن‌ها را اجرائی کرده است.

تاکنون و به خصوص پس از عملکردهای سرکوبگرانه و شدید اردوخان، شایعات سوءظن‌های زیادی درباره این کودتا و نحوه آغاز و پایان آن در چند ساعت در جامعه راه افتاده است. حتی شایع شده است که این کودتا بخشی از طرح‌های طرفداران اردوخان در داخل ارتش و پولیس مخفی بوده است.

در همان سال ۲۰۱۶، اردوخان تحت حمایت جنگنده‌های امریکا و ترکیه، نیروهای ویژه و تانک‌های خود را به‌منظور کمک به شورشیان سوری در تسخیر شهر جرابلس یکی از پایگاه‌های مستحکم مرزی داعش به‌سوی سوریه روانه کرد. بیش‌تر تانک‌های ترکیه برای حمایت از شورشیان شمال سوریه به آن منطقه حمله کردند و به‌منظر می‌رسید که نظامیان ترک در ممانعت از پیشروی نیروهای مدافع خلق کرد که در تسخیر سرزمین‌های دیگر منطقه به موفقیت دست یافته‌اند؛ در واقع هدف اولیه ترکیه از این عملیات بود.

این عملیات با فاصله زمانی اندکی پس از کودتا حاکی از این است که چگونه اردوخان حتی پس از پاکسازی گسترده در ارتش، موقعیت خود بر ارتش را حفظ کرده است. این امر به او اجازه داد تا نقش بسیار جاه‌طلبانه و جنگ‌طلبانه‌ای در جریان جنگ داخلی طولانی‌مدت سوریه پیش گیرد و موقعیت رو به کاهش گروه‌های شورشی که ترکیه یکی از حامیان سرسخت آنان بوده است را تقویت کند.



سایر عواملی که مانع جنگ‌طلبی و جاه‌طلبی‌های ترکیه در سوریه بوده‌اند نیز در سال‌های اخیر از میان برداشته شده‌اند. درگیری‌ها با روسیه که از اواخر سال ۲۰۱۵ در پی سرنگونی جنگنده روسی در نزدیکی مرزهای ترکیه توسط این کشور آغاز شده بود، بعد از ابراز تاسف اردوخان از این حادثه، پایان یافت. پس از این که روابط آنکارا و مسکو رو به وخامت گذاشت، تهاجم ترکیه به سوریه ممکن بود خطر جنگ با روسیه که در حمایت از دولت سوریه شورشیان را بمباران می‌کرد، را در پی داشته باشد. امریکا نیز که قبلاً مخالف مداخله ترکیه بود حمایت خود را از این کشور اعلام کرد.

این عملیات خون‌جدید بر رگ‌های گروه‌های مخالف حکومت مرکزی سوریه از جمله ارتش آزاد سوریه و داعش و القاعده رساند و موضع آن‌ها را تقویت کرد. داعش و القاعده که ماه‌ها بود همواره مواضع خود را از دست می‌دادند و در شمال سوریه ناامید شده بودند با ورود مستقیم ارتش ترکیه به شمال سوریه جان تازه‌ای گرفتند.

بسیاری از تحلیل‌گران که از نزدیک وضعیت نظامی ترکیه را دنبال می‌کنند بر این عقیده‌اند که اردوخان پس از کودتای نافرجام و پاکسازی ارتش، ظرفیت‌های میلیتاریستی ارتش ترکیه را بالا برده است. ارتش ترکیه دومین ارتش بزرگ ناتو است. ارتشی که پس از کودتا تا حدودی روحیه خود را از دست داده بود با این جنگ و لشکرکشی به سوریه و پ.ک.ک با تحریک احساسات ناسیونالیستی-شوونیستی روحیه جدیدی گرفت.

دولت ترکیه از سال ۲۰۱۶ بدین سو در سوریه، با استفاده از سیاست دو قطبی میان روسیه و امریکا توانسته است بعضی از مناطق سوریه را به اشغال درآورد. ترکیه این سیاست‌ها را با سیستم پدافند هوایی اس ۴۰۰ ادامه داده و خواهان موافقت قدرت‌های بین‌المللی برای اشغال مناطق غرب، شرق و شمالی سوریه است. با وجود اعتراضات مقامات امریکائی، دولت ترکیه قطعات پدافند هوایی اس ۴۰۰ را از روسیه تحویل گرفت. در همان روز نیز تعداد نیروهای نظامی خود را در مناطق روژآواای کردستان افزایش داد. دولت ترکیه با افزایش نیروهای نظامی خود در مرزهای شیخ‌لر، کوبانی، گره‌سپی و سرکانی سعی کرد تا پیش از رسیدن هیات امریکائی برای ارزیابی منطقه حائل، جایگاه خویش را در مذاکرات تقویت کند. بعد از وقوع کودتا، اردوخان و یلدریم به این اقتناع رسیدند که کلید حل مشکلات سیاست خارجی‌شان را باید در عرصه تحولات خاورمیانه بعد از ۲۰۱۱ و در بحران سوریه جست‌وجو نمایند. مواضع و اقدامات ترکیه در سال‌های بعد از آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، نتایج موردنظر مقامات ترکیه را برآورده نکرده بود. نه تنها مردم کرد در شمال سوریه و درون ترکیه تضعیف نشدند، بلکه شاهد پیشرفت چشمگیر کردهای سوریه در نواحی شمالی سوریه و مرزهای همجوار ترکیه هستند. همچنین، حکومت بشار اسد نه تنها سقوط نکرد، بلکه نیروهای تحت حمایت آنکارا در سوریه (جیش الفتح، جیش الاسلام و حتی داعش) از ابتدای سال ۲۰۱۶، شکست‌های پی‌درپی را متحمل شدند. در نتیجه این روند در شرایط بعد از کودتای ماه جولای، سیاست حل بحران سوریه به‌گونه‌ای که از شکست‌های هر چه بیش‌تر آنکارا پیش‌گیری شود، مدنظر مقامات حکومت ترکیه قرار گرفت. نر همین راستا، وزیر امور خارجه ترکیه مولود چاوش اغلو گفت است که کلید موفقیت ترکیه در خاورمیانه در گرو حل بحران سوریه با بازیگران دخیل در عرصه می‌باشد. همچنین اردوخان ابراز داشته که بعد از کودتا دوستان و دشمنان خود را به‌خوبی شناختیم و می‌دانیم که در آینده چگونه عمل نمائیم.

به این ترتیب، مهم‌ترین تلاش عملی مقامات ترکیه برای تغییر سیاست نسبت به بحران سوریه را می‌توان در تلاش اردوخان برای دیدار با مقامات حکومت روسیه و حکومت اسلامی ایران مورد بحث قرار داد. دیدار اردوخان با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه در ۹ اگوست ۲۰۱۶ در «سن پترزبرگ» را می‌توان نقطه عطف مطرح شدن مسپله تغییر معادلات در خاورمیانه دانست. آن‌چنان که اردوخان در دیدار اخیر خود از روسیه ابراز می‌کند همکاری میان مسکو و آنکارا در حل عدیده‌ای از مشکلات منطقه‌ای می‌تواند تاثیرگذار باشد. در ادامه همین روند، سفر محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه اسلامی ایران به آنکارا در ۱۲ اگوست ۲۰۱۶ و متعاقب آن سفر مولود چاوش اغلو وزیر خارجه ترکیه به تهران در ۱۸ اگوست همان سال را می‌توان آغاز توافقات سیاسی و دیپلماتیک جدید، در ارتباط با آینده سوریه دانست. این رویدادها و نشست‌ها، این گمانه‌زنی را مطرح کرده بود که جبهه متحد حکومت ایران، روسیه و ترکیه در منطقه در حال شکل‌گیری است. همچنین، با ورود مشاوران نظامی چینی به دمشق، در قامت آموزش نیروهای نظامی حکومت مرکزی سوریه این سناریو را مطرح نمود که شاهد جبهه منسجمی از شرق در برابر غرب در بحران سوریه هستیم. حمایت همه‌جانبه از حکومت بشار اسد، پایان بخشیدن به بحران سوریه و حفظ ثبات و یکپارچگی در این کشور هم به‌عنوان هدف اصلی این جبهه مطرح شده است.

اما آن‌چه که مطرح شد هنوز هم در استراتژی‌های کلان ناهم‌خوانی‌هایی میان منافع ایران و روسیه با ترکیه در بحران سوریه وجود دارد. مسپله بقای حکومت بشار اسد در قدرت، چگونگی برخورد با نیروهای مخالف حکومت مرکزی و در نهایت چگونگی تعامل با کنفدرالیسم دموکراتیک در شمال سوریه (روژآوا) ، از جمله موضوعاتی هستند که در زمینه‌های عدم اتحاد استراتژیک میان سه کشور را ایجاد کرده‌اند. در کنار این موضوع، زمانی که واکنش‌های

عربستان سعودی و ایالات متحده امریکا را نسبت به اتحاد میان ایران، روسیه، ترکیه و حکومت مرکزی سوریه را مورد لحاظ قرار دهیم، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تحولات اخیر در اتحادهای منطقه با کاراکتری اصلی ترکیه، در کوتاه مدت نه تنها پایان‌بخش بحران سوریه نیست؛ بلکه زمینه پیچیده‌تر شدن و شکل‌گیری اتحادهای جدیدی را میان بازیگران حاضر در سوریه ایجاد خواهد کرد.

به‌گفته‌های نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر، ارتش ترکیه و گروه‌های تبهکار مدافع آن در مناطق ادلب، اعزاز، باب و عفرین، مرتکب کشتارهای جمعی و جنایت علیه بشریت شده و اکنون در حال تغییر بافت جمعیتی عفرین است. نیروهای اشغالگر هم چنین آموزش زبان ترکی را بر مردم مناطق اشغالی تحمیل کرده‌اند.

ارتش ترکیه؛ متحد بی‌رقیب داعش

محمد توقان به وجود توافق بین دولت ترکیه با تبهکاران داعش و ارتش آزاد سوریه اعتراف کرد. توقان گفت که شمار زیادی از تبهکاران داعشی در ترکیه وجود دارند.

خبرگزاری فرات؛ بریتان ساریا؛ حسکه؛ چهارشنبه ۲ اکتبر ۲۰۱۹



دولت ترکیه که چندین سال است شمال و شرق سوریه را تهدید می‌کند و در اسفند سال ۱۳۹۶-۲۰۱۸، کانتون عفرین را اشغال کرد؛ تبهکاران داعش و ارتش آزاد سوریه را متحد کرد و در تلاش است که از راه سلول‌های مخفی تبهکاران سیاست بحران‌زای خود در شمال سوریه را عملی کند.

شبکه‌های مخفی داعش و تبهکاران ارتش آزاد سوریه در ترکیه و مناطق اشغالی شمال غربی سوریه وجود دارند. در این گروه‌ها که از سوی تبهکاران سازماندهی می‌شوند پناهندگان سوری‌ای که در ترکیه بهسر می‌برند سازماندهی شده‌اند و از طریق پول و یا با روش‌های دیگر مجبور به همکاری شده و بکار گرفته می‌شوند.

جمعه محمد توقان (ابو صالح) که مدت هفت سال در ترکیه پناهنده بود از شهروندان سوریه است که توسط تبهکاران دولت ترکیه سازماندهی شده و جهت انجام عملیات‌های انفجاری به شمال و شرق سوریه اعزام شده است.

توقان که از طرف نیروهای امنیت داخلی شمال و شرق سوریه دستگیر شده گفت: تعداد زیادی تبهکار داعشی در ترکیه وجود دارند که با تبهکاران ارتش آزاد سوریه هماهنگ شده‌اند، در سوریه سلول‌های مخفی تشکیل می‌دهند و در شمال و شرق سوریه نیز به اقدامات انفجاری دست می‌زنند.

توقان ۳۱ ساله اهل تل تمر از توابع حسکه است. توقان که متاهل بوده و فرزندى دارد سال ۲۰۱۱ به ترکیه رفت و تا سال ۲۰۱۸ در آنجا مشغول کارگری بود. پس از این‌که برادرزاده داعشی‌اش به نام احمد صالح توقان به ترکیه آمد زندگی‌اش تغییر کرد.

برادرزاده داعشی‌اش همراه با دو نفر از تبهکاران «نیروهای سپر فرات» وابسته به ترکیه شبکه‌ای مخفی جهت انجام عملیات انفجاری علیه ق.س.د و مدیریت خودگردان دمکراتیک تشکیل دادند. او نیز در این شبکه جای گرفت. برای سازماندهی اقدامات تخریب‌کارانه به سوریه فرستاده شد. توقان سه روز پس از آمدنش به سوریه روز ۱۱ خرداد ماه ۱۳۹۷ در منطقه ابو رأسن حومه شهر حسکه از سوی نیروهای امنیت داخلی شمال و شرق سوریه دستگیر شد.

سال ۲۰۱۱ توقان همراه با برادرزاده‌اش احمد صالح توقان در دیرالزور به تبهکاران احرار الشام می‌پیوندند. پس از گذشت سه و نیم ماه توقان از احرار الشام کنارگیری می‌کند و به ترکیه می‌رود. سال ۲۰۱۱ به ترکیه پناهنده می‌شود و در شهرهای آدانا، قونیه، کرشهر، قوسر از توابع شهر مرین و اورفا مشغول به کار می‌شود. پس از او برادرزاده‌اش احمد توقان در سوریه می‌ماند و بعد از این‌که از احرار الشام کنارگیری می‌کند به داعش می‌پیوندد. توقان گفت: «سال ۲۰۱۷ برادرزاده‌ام در دیرالزور دچار حادثه شد و سال ۲۰۱۸ همراه با خانواده‌اش جهت درمان به ترکیه رفت. برادرم در منطقه حرّان از توابع شهر اورفا کار می‌کرد و کارفرمایش با برخی از مسوولان دولت ارتباط و آشنائی داشت. از طریق آن‌ها در بیمارستان ۵۰۰ شهر اورفا بستری و مورد درمان قرار گرفت. بیمارستان دولتی بود. تا وقتی که از ترکیه خارج شدم نیز داروهایش را از همان بیمارستان دریافت می‌کرد.»

توقان به اعترافاتش ادامه داده و گفت که از طریق برادرزاده داعشی‌اش و رفقای برادرزاده‌اش محمد خیر و عبدالملح که عضو ارتش آزاد سوریه بودند در فعالیت‌های سلولی شرکت کرده و اظهار کرد: «برادرزاده‌ام به آن‌ها گفت که کسی در دست دارد. بعداً فهمیدم که منظورش من بودم. محمد خیر اهل تل‌تمر بود دیگری نیز اهل منطقه‌ای نزدیک روستای ما بود. هر دو نفر عضو ارتش آزاد سوریه بودند. برادرزاده‌ام خواست که من در سلول مخفی جای بگیرم.»

توقان تأکید می‌کند که عضو شبکه‌های مخفی وابسته به ارتش آزاد بوده و پشتیبان آن‌ها نیز ارتش ترکیه بود. وقتی سؤال کردیم که وابسته به کدام مجموعه ارتش آزاد سوریه هستند، گفت «سپر فرات.» توقان در ادامه اعترافاتش گفت: «حدود ۳۰ تا ۴۰ داعشی با آنها بودند. با همدیگر همچون شبکه‌ای فعالیت می‌کردند.»

توقان می‌افزاید: «برای رضایت من تلاش بسیاری کردند. سخن از جهاد می‌کردند و می‌گفتند که امریکا به خاک ما آمده و سرزمین‌مان را از ما گرفته است.»

پس از این‌که توقان را اقناع کردند از او خواستند که برای سلول مخفی در شمال و شرق سوریه مواد انفجاری و بمب ببرد. توقان از مرز شهر دربیسی که هم‌مرز با ترکیه است به شمال و شرق سوریه رسوخ کرده و وارد روستای سوقریه واقع در منطقه‌ی زرگانی شد.

بدین شکل چگونگی برگرداندنش از سوریه را توضیح داد: «حدود ۳۰۰ دالر به من دادند. از این مقدار پول ۲۰۰ دالر برای خودم بود و ۱۰۰ دالر نیز جهت خرید گوشی تلفن بود که بتوانم از طریق آن با آن‌ها تماس بگیرم. یک بمب به من دادند. همچنین عبدالمله در مورد جاهائی که بمب در آن‌جاست به من معلومات داد.»

توقان روز سوم از سوی نیروهای امنیت داخلی دستگیر شد و درباره‌ی دستگیری‌اش چنین گفت: «پس از یک روز با من تماس گرفتند و در مورد فردی که بایستی بیاید و بمب را دریافت کند با من حرف زدند.» گفتند: «فرد دریافت‌کننده بمب نمی‌تواند نزد تو بیاید. او را در ایست بازرسی نگه داشته‌اند. تو به نزد او برو.» من نیز به آن‌ها گفتم که تازه رسیده‌ام و به‌خاطر این‌که شناسنامه ندارم نمی‌توانم بروم. تصمیم گرفتیم و برادرم را روانه کردم.

برادرم رفت، درواقع خانه ما هم در منطقه ابورأسن قرار داشت. آسایش در آن‌جا آن‌ها را دستگیر می‌کند. بعد از این‌که دستگیر می‌شود اعتراف می‌کند که من او را فرستاده‌ام. روز ۱۱ یا ۱۲ خرداد بود که آمدند و مرا نیز در خانه دستگیر کردند.

توقان که هفت سال در ترکیه پناهنده بود اظهار کرد که در شهرهای آدانا، اورفا و ناحیه قوسر از توابع مریدین ترکیه تعداد زیادی داعشی وجود دارند.

دوستی اردوخان با سرمایه‌دار حامی مالی داعش

«یاسین القاضی» سرمایه دار سعودی اکنون به‌عنوان یکی از حامیان گروه‌های تروریستی در دنیا شناخته شده است. رسانه‌های دنیا و حتی ترکیه، او را حامی مالی داعش و القاعده می‌دانند.

پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نام او و چند نفر دیگر در فهرست تروریست‌های بین‌المللی قرار گرفت به‌صورتی که بسیاری از کشورها ورود او را ممنوع اعلام کردند. ترکیه نیز از جمله این کشورها بود.

اما در آن دوره، رسانه‌های ترکیه رسوائی جدیدی را با تصاویر فاش کردند: دیدارهای اردوخان با یاسین القاضی و دیدارهای طولانی این تروریست با فرزند اردوخان «بلال». عناصر سرویس‌های امنیتی ترکیه این موضوع را در چارچوب رسوائی فساد دولت سابق ترکیه فاش کردند. پس از انتشار این خبر، شمار بسیاری از نیروها و عناصر امنیتی به اتهام طرح ریزی کودتا علیه دولت، بازداشت شدند.

اما طبق اظهارات «تیری میسان» روزنامه نگار فرانسوی؛ یاسین القاضی دوست شخصی دیک چنی معاون رئیس جمهور اسبق امریکا، و رجب طیب اردوخان نخست وزیر سابق و رئیس جمهور کنونی ترکیه است.

القاضی در سال ۲۰۱۲ چهار بار به ترکیه سفر کرد و اردوخان شخصا از او استقبال می‌کرد؛ البته پس از قطع کردن همه دوربین‌های مدار بسته فرودگاه دوم استانبول.

روزنامه «جمهوریت» ترکیه، جزئیاتی را از تحقیقات قضائی این کشور درباره این پرونده منتشر کرد. بر اساس گزارش این روزنامه اردوخان، یاسین القاضی را یک سرمایه دار سعودی معرفی کرده که به‌هدف سرمایه‌گذاری به ترکیه سفر می‌کند. اردوخان با اجتناب از توصیف یاسین القاضی به‌عنوان یک تروریست، می‌گوید: «همان اندازه که به‌خودم اطمینان دارم، به آقای القاضی مطمئن هستم؛ او مرد نیکوکاری است.»

این روزنامه، خاطرنشان کرد که القاضی ۱۲ بار به ترکیه سفر کرده که ۷ مورد آن با کمک اردوخان صورت گرفته است؛ چرا که نام او به‌عنوان یک تروریست در فهرست افراد ممنوع‌الورود در فرودگاه‌های ترکیه ثبت شده است.

جمهوریت با انتشار تصاویری از دیدار یاسین القاضی با اردوخان و همچنین هاکان فیدان رئیس سازمان اطلاعات ترکیه، تاکید کرد: در حالی‌که پولیس ترکیه به‌دنبال القاضی بود، او با نخست وزیر دیدار می‌کرد.

بر اساس این گزارش، دیدارهای این افراد با حضور یک سرمایه‌دار مصری به‌نام «اسامه قطب» فرزند «محمد قطب» برادر سیدقطب از سران اخوانی صورت می‌گرفت. قطب به‌همراه پدرش شناسنامه تابعیت ترکیه‌ای دریافت کرده و همچنان در این کشور زندگی می‌کنند.

این نشست‌ها گاهی در منزل «مصطفی لطیف توباس» سرمایه‌دار ترکیه‌ای در استانبول با حضور فرزند اردوخان و معاذ فرزند یاسین القاضی برگزار می‌شد.

رسانه‌ها و جریان‌های مخالف حزب عدالت و توسعه ترکیه، اردوخان و به‌ویژه فرزندش بلال را به سوءاستفاده از وجود «هیات نجات و کمک‌های انسانی» (IHH) به‌عنوان پوششی برای حمایت از گروه‌های تروریستی متهم کردند.

در همین رابطه «دیو اموری» روزنامه‌نگار امریکائی در صفحه خود در شبکه‌های اجتماعی گفته است: «یاسین القاضی» شخصا حمایت مالی از این سازمان ترکیه‌ای را برعهده دارد، و این سازمان یکی از شاخه‌های جمعیت «ائتلاف الخیر» است که یوسف قرضاوی بر آن نظارت دارد. جمعیت ائتلاف الخیر در سال ۲۰۱۰ به‌دلیل ارتباط با

گروه‌های تروریستی در المان ممنوع شد و وزارت خارجه امریکا هم آن را در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی قرار داد.

«تیری میسان» روزنامه‌نگار فرانسوی هم در این باره به محموله سلاح ترکیه اشاره می‌کند که از طریق مرز به داخل سوریه ارسال شد. یکی از ۳ نفری که در این رابطه دستگیر شده است، فاش کرده است که این محموله از سوی جمعیت خیریه وابسته به اخوان المسلمین در ترکیه ارسال شد.

در کنار این مسائل، رسانه‌های ترکیه و حتی دیگر کشورها از نقش ترکیه در انتقال نفت رقه و دیرالزور و موصل و دیگر مناطق تحت کنترل داعش به بازار جهانی خبر داده‌اند.

«تئودور کارسیک» مدیر پژوهشکده خاور دور و منطقه خلیج فارس، تاکید کرده است که داعش روزانه از انتقال نفت، ۳ میلیون دلار به دست می‌آورد.

کسانی که به ترکیه سفر کرده‌اند هم از حمایت علنی هواداران دولت ترکیه از داعش خبر می‌دهند. در شبکه‌های اجتماعی تصاویر بسیاری از فروش تی‌شرت‌ها و دیگر وسایل با نماد گروه تروریستی داعش در ترکیه منتشر شده است.

در این بین، تلویزیون رسمی المان فاش کرد که در خیابان الفاتح در شهر استانبول ترکیه، دفتری برای داعش افتتاح شده است که به صورت علنی در حال جمع آوری کمک‌ها برای گروه تروریستی داعش و همچنین جذب مزدوران برای اعزام به سوریه و عراق است.



بر اساس گزارش این شبکه المانی، چندین پایگاه و اردوگاه نظامی برای آموزش عناصر داعش در خاک ترکیه وجود دارد که عبارتند از:

۱- اردوگاه غازی عنتاب: برای آموزش عناصر داعش.
«اردال عطا» استاندار غازی عنتاب فوراً پس از انتشار این خبر از تلویزیون المان، آن را در کنفرانسی مطبوعاتی تکذیب کرد. ولی با این حال از دستگیری ۱۹ تن از عناصر اروپایی داعش خبر داد و مدعی شد که این عناصر برای محاکمه به دادگاه تحویل داده شده‌اند.

۲- اردوگاه اوروفا در جنوب شرقی ترکیه: عناصر داعش برای حمله به شهر مرزی کسب سوریه که اغلب ساکنان آن ارمنی هستند، از این اردوگاه خارج شدند.

۳- اردوگاه العثمانیه در ارضه در جنوب ترکیه: این اردوگاه نزدیک یکی از بزرگترین پایگاه‌های هوایی امریکا در خاک ترکیه قرار دارد. مسیله جالب توجه این است که این اردوگاه به نقطه تقاطع خطوط لوله گازی که از عراق و آسیای میانه می‌آید، بسیار نزدیک است. این خطوط لوله تا بندر جیهان ترکیه و دریای مدیترانه امتداد یافته است.

۴- اردوگاه کرمان در ارضه قرار دارد که البته به استانبول نزدیکتر است.

تری میسان، روزنامه‌نگار فرانسوی، همچنین فاش کرده که ترکیه زمینه نفوذ ۵ هزار جنگجوی القاعده به خاک سوریه را فراهم کرده است. این عناصر در خاک لیبیا آموزش دیده‌اند.

شبکه سی‌ان‌ان هم در گزارشی تصویری عملیات نفوذ جنگجویان خارجی به مرزهای سوریه از طریق ترکیه را مستند سازی کرده بود. خبرنگار این شبکه امریکائی، تصاویری را از جنگجویان موریتانیائی، لیبیائی، مصری، سعودی و انگلیسی منتشر کرد که از طریق فرودگاه هاتای به نزدیک مرزهای سوریه منتقل شده بودند.

در این بین، روزنامه‌نگاران و خبرنگاران ترکیه ای مانند «اورهان کما چنگیز» و «قدیر گرسل» از تبدیل مناطق مرزی ترکیه و سوریه به گذرگاهی برای ورود و خروج آسان تروریست‌ها خبر دادند. آنان تاکید کردند که سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه با این تروریست‌ها همکاری می‌کنند.

«محرمانجه» نماینده مخالف در پارلمان ترکیه نیز فاش کرده است که «مازن ابو محمد» از سران داعش در آوریل ۲۰۱۴ در یکی از بیمارستان‌های دولتی ترکیه بستری شده است. وی عکس‌هایی را از این تروریست داعشی منتشر کرد.

چرا ترکیه و قطر به داعش روی خوش نشان می‌دهند؟

روزنامه العرب چاپ لندن، در مرداد ماه ۱۳۹۳، گزارش داد که تصمیم حمایت از داعش برای استفاده از آن در جهت اهداف اخوان‌المسلمین در یکی از نشست‌های مهم اخوان در استانبول اتخاذ شده است.

آن روزها در رسانه‌های عربی و غربی اخبار بسیاری درباره این که ترکیه از حامیان اصلی داعش است، منتشر می‌شد. بسیاری از منابع حتی روزنامه‌ها و رسانه‌های ترکی می‌گفتند که ترکیه حمایت‌های لجستیکی از داعش می‌کند و خاک خود را در اختیار آن قرار می‌دهد. منابع مالی این حمایت را نیز قطر تامین می‌کند. به عبارت دیگر ترکیه و قطر در هماهنگی کامل حمایتی همه‌جانبه از داعش به عمل می‌آورند تا در عراق و سوریه آشوب کنند.

در کنار این اخبار خبرهای دیگری نیز گاه به طور مستقیم و گاه به‌طور غیرمستقیم منتشر می‌شد مبنی بر این که اخوانی‌های عراق و سوریه نیز زیر چتر ترکیه و قطر در این دو کشور مدتی است که فعالیت‌های خود را آغاز کرده‌اند.

در عین حال گفته می‌شد که رهبران اخوان دیدارهای مهمی را اخیراً در استانبول ترکیه انجام داده‌اند و در آن‌ها تصمیم‌های مهمی را درباره آینده تحرکات خود اتخاذ کرده‌اند. روزنامه العرب چاپ لندن، گزارش داد که تصمیم حمایت از داعش برای استفاده از آن در جهت اهداف اخوان‌المسلمین در یکی از همین نشست‌های مهم در استانبول اتخاذ شده است.

پس از سقوط حکومت اخوان‌المسلمین به ریاست جمهوری محمد مرسی در مصر، شکست‌های اخوان در عرصه بین‌المللی و در دیگر کشورهای عربی منطقه نیز آغاز شد. در سوریه اخوان‌المسلمین شکست سختی را متحمل شد و در حال حاضر از دایره معادلات بازی‌های سیاسی این کشور در جبهه مخالفان سوری نیز کنار گذاشته شده است. در تونس نیز اوضاع چندان مناسبی ندارند و جایگاهشان بسیار متزلزل است. و در لیبیا نیز به گواه گزارش رسانه‌های عربی به‌سمتی می‌روند که اوضاع را در این کشور به‌طور کامل از دست بدهند.

کوبانی در محاصره داعش

داعش در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۴ حمله‌ای گسترده و فراگیر را به روستاهای کوبانی آغاز کرد. داعش از سه طرف به کوبانی حمله‌ور شد و دولت فاشیست ترک که حامی اصلی داعش بود از طرف شمال این منطقه را تحت محاصره کامل قرار داد.

ده‌ها هزار مزدور داعش در امتداد سه جبهه و به درازای صدها کیلومتر جنگ خود را بر علیه کوبانی آغاز کردند. داعش پس از اشغال موصل و همچنین بسیاری از بخشهای دیگر کشور سوریه مقادیر بی‌شماری اسلحه و مهمات سنگین جنگی از جمله در تیپ ۹۳ در عین عیسی حمله به کوبانی را آغاز کرد. این طرح ظاهراً به‌خوبی برای داعش برنامه‌ریزی شده بود. قدرت زیاد داعش و تخلیه مناطق روستائی به اشغال تعداد زیادی از روستاهای این منطقه از سوی تبهکاران داعش انجامید.

داعش از هر طرف با چندین تانک و خودرو زرهی به اشغال روستاها پرداخت و این در حالی بود که نیروهای دفاعی کوبانی بر خلاف مزدوران داعش هیچ‌گاه یک تانک و حتی یک خودرو زرهی هم نداشتند. داعش همچنین از توپ ۱۳۰ م.م که از فاصله ۳۰ کیلومتری قادر به توپ‌باران مرکز شهر کوبانی بود استفاده می‌کرد. گروه تبهکار داعش این‌گونه با حمله و نفوذ به کوبانی که تحت محافظت نیروهای ی.پ.گ بود نزدیک می‌شد.

در مواجهه با برتری نظامی و نفرات داعش نسبت به ی.پ.گ و ی.پ.ژ یگان‌های کرد مقاومت بسیار خوبی را نشان دادند که در آن ده‌ها مبارز جان باختند و در برخی عملیات‌ها آگاهانه از جان خود مایه گذاشتند مبارزانی همچون روانا، آرین میرکان، باران سرحد، ایرش و زوزان مانع از پیشروی بیش‌تر تبهکاران داعش شد. اما مقاومت با سلاح‌های فردی و چند مسلسل برای جلوگیری از پیشروی داعش به‌سوی مرکز شهر کافی نبود.

عقب‌نشینی ی.پ.گ از روستاهای کوبانی اولین عقب‌نشینی نیروهای مبارز روزاوا از زمان تاسیس بود و همچنین مقاومت در خیابان‌های شهر کوبانی هم اولین مقاومت داخل شهری این نیروهای انقلابی به‌شمار می‌آمد. اینچنین بود که ی.پ.گ و ی.پ.ژ از آن به عنوان مرگ و نه عقب‌نشینی یاد می‌کردند.

با تشدید حملات داعش غیرنظامیان در حومه کوبانی برای جلوگیری از تکرار فاجعه همچون سنگال به مرکز شهر کوبانی پناه بردند. با تمام این موارد محاصره با گذشت روزها تشدید می‌شد. در ۱۰ روز، این منطقه شاهد جابه‌جایی بیش از ۳۰۰۰۰۰ غیرنظامی به سمت مرز شمالی کوبانی با باکور کردستان بود. بیش‌تر غیرنظامیان با عبور از مرز به پرسوس در باکور کردستان رفتند.

بامداد یکشنبه ۵ اکتبر ۲۰۱۴ داعش پس از ۲۰ روز جنگ در حومه شهر تپه مشتا نور مشرف به شهر از جنوب شرقی شهر را اشغال و شروع به خمپاره‌باران شدید مرکز شهر کرد.

نبردهائی که در شهر کوبانی به‌شکل جنگ خیابانی آغاز شد در سه مرحله شکل گرفت. مرحله اول ایجاد خط دفاعی برای مهار پیشروی تبهکاران داعش بود که در ۸ اکتبر، سه روز پس از این درگیری‌ها به خیابان‌های شهر رسید. در آن روز تعدادی از مبارزان ی.پ.گ عملیات فوق‌العاده انجام دادند و تمام مواضعی را که از آن‌ها تبهکاران به شلیک گلوله پرداخته بودند هدف قرار دادند. این مرحله ابتکار عمل را از دست داعش گرفت پیشروی داعش را محدود کرد.

وضعیت در آن زمان این‌چنین بود که کوبانی هر لحظه در معرض خطر سقوط قرار دارد. اردوخان دیکتاتور ترکیه، با خرسندی از سقوط کوبانی دم زد و حتی وعده می‌داد که کوبانی به زودی سقوط خواهد کرد.

پیشروی داعش در نبردهای میدان آزادی کوبانی محدود شد و ی.پ.گ شروع به تقویت استحکامات خطوط دفاعی خود کرد. مبارزان ی.پ.گ فنون جنگ خیابانی را به مرحله عمل گذاشتند. بدین ترتیب، حملات داعش به خطوط دفاعی ی.پ.گ روزانه ادامه یافت بدون آن که به پیشروی تبهکاران بیانجامد. در حقیقت ی.پ.گ هر از گاهی در پاتک بعضی از خانه‌ها و خیابان‌ها اشغال شده را آزاد می‌کرد و مقاومت تا ۷۱ یکمین روز مبارزه این چنین ادامه یافت.

ی.پ.گ/ی.پ.ژ مرحله دوم مقاومت را با تاکتیک‌های سوءقصد، کمین‌گذاری، مین‌گذاری، ربودن عناصر داعش و شیوه‌های دیگر نبرد خیابانی آغاز کرد. فرمانده‌های مبارزان اعلام کردند که ضربات مرگباری که مبارزان در پشت جبهه به تبهکاران وارد کرده بودند هم به تقویت خطوط دفاعی انجامید و هم از پیشروی تبهکاران در مرکز شهر را متوقف کرده است.

مرحله سوم در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴ یعنی در ۹۴مین روز مقاومت آغاز شد. در آن روز، کارزار آزادسازی شهر کوبانی با نام «کارزار انتقام‌جویی برای جان‌باختگان کوبانی» آغاز شد. این مرحله ۴۰ روز ادامه یافت. در این مرحله تمام شهر کوبانی از چنگ تبهکاران آزاد شد و توازن قوا در این بخش از روژاوا به نفع مبارزان تغییر کرد. مقاومت عظیم ی.پ.گ و ی.پ.ژ توجه افکار عمومی در منطقه و جهان را به سوی کوبانی جلب کرد. شهر کوبانی و مقاومت حماسی آن در مدت کوتاهی به‌خبر اول تمامی رسانه‌های معتبر جهان، سیاست‌مداران سرشناس و رهبران بین‌المللی مبدل شد.

قیام سراسری باکور (کردستان ترکیه) در همبستگی با کوبانی در روزهای ۶، ۷ و ۸ اکتبر ۲۰۱۴ هدف حملات نیروهای فاشیست حکومت ترکیه قرار گرفت و چهل معترض باکور در این حملات جان باختند.

سرانجام به ابتکار تعدادی از روشنفکران مترقی سرشناس و دوستداران آزادی روز اول نوامبر به‌عنوان «روز جهانی همبستگی با کوبانی» نام‌گذاری شد. در این روز میلیون‌ها نفر در بیش از ۹۰ شهر ۳۰ کشور جهان به خیابان‌ها آمدند و با شعار «بسیج جهانی در دفاع از کوبانی و بشریت علیه داعش» را فریاد زدند.

پس از حمله داعش به کوبانی در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۴ این گروه تبهکار در ۲۰مین روز حملات وارد شهر کوبانی شد. داعش در ۹۴مین روز آغاز جنگ کنترل ۷۰ درصد از کل منطقه کوبانی را به دست گرفته بود. داعش با تمام توان خود در دو ماه و نیم توانسته بود ۷۰ درصد شهر را به اشغال خویش درآورد.

مقاومت کردها در کوبانی در حقیقت مقاومتی بین‌المللی بود که در آن جوانان و زنانی از خلق‌های دیگر جهان هم شرکت کردند. مبارزان انقلابی کرد، عرب، فارس، امریکائی، انگلیسی، المانی، ترک و...، دوشادوش همدیگر در سنگرهای دفاع کوبانی مبارزه و مقاومت کردند.

در مقاومت کوبانی تعداد زیادی از مبارزان اینترناسیونالیست جان باختند که بیش‌تر آن‌ها ترک بودند. این امر نشان داد که مقاومت کوبانی هم‌زمان مقاومتی بین‌المللی بوده است که پیروزی در آن پیروزی برای تمام خلق‌های آزادی‌خواه جهان است.

بدون شک مقاومت ی.پ.گ در کوبانی که منجر به شکست بزرگ و شدید داعش شد، اولین شکست جانپان داعش بود. پیش از شکست داعش در کوبانی ارتش‌های منظم و مکانیزه منطقه توان ایستادگی و حتی جلوگیری از پیشروی داعش را نداشتند. موصل دومین شهر بزرگ عراق تنها طی چند ساعت، رقه سوریه هم در چند ساعت و ده‌ها شهر دیگر بدون نبرد به دست داعش افتاده بودند.

در حمله داعش به کوبانی ۶۰۰۰ هزار تبهکار این گروه از پای درآمدند و تعداد بیش‌تری هم زخمی شدند. داعش پس از این حمله نه تنها توانائی حمله را از دست داد، بلکه حتی توان ایستادگی در برابر عملیات ی.پ.گ/ی.پ.ژ و بعدها نیروهای ق.س.د در شمال و شرق سوریه را از دست داد.

مقاومت حماسی کوبانی راه را برای مداخله ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در حمایت از ی.پ.گ و ی.پ.ژ هموار کرد. ی.پ.گ و ی.پ.ژ در ۱۳۴ روز مقاومت قهرمانانه کوبانی حماسه‌های تاریخی بزرگی را رقم زدند و شهر کوبانی را آزاد نمودند. در ۲۶ ژانویه ۲۰۱۵ تمام شهر کوبانی آخرین پرچم سیاه داعش برداشته شد و پرچم‌های سبز، قرمز و زرد آسمان کوبانی را رنگین کردند.

ائتلاف بین‌المللی مبارزه علیه «داعش»

به‌دنبال گسترش فعالیت‌های تروریستی «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) در عراق و سوریه، امریکا خواهان تشکیل ائتلاف بین‌المللی مبارزه علیه این گروه تروریستی شد. در این ائتلاف حدود ۷۳ کشور حضور داشتند.

سرانجام ائتلاف بین‌المللی علیه داعش در سال ۲۰۱۴ به رهبری امریکا تشکیل شد تا مواضع داعش در سوریه و عراق را هدف حملات خود قرار داده و از پیشروی آن در این دو کشور جلوگیری کند.

این ائتلاف پس از آن تشکیل شد که شهر موصل در عراق و بخش‌های وسیعی از مناطق غربی این کشور به اضافه استان‌های رقه و دیرالزور در سوریه به‌دست داعش افتاد. در این ائتلاف کشورهای امریکا، انگلیس، مغرب، استرالیا، بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، هلند، نیوزلند، نروژ، اسپانیا، ترکیه، پرغال، عربستان، امارات، قطر، بحرین، اردن و عمان حضور داشتند.

برخی از اعضای این ائتلاف پذیرفته بودند که فقط در سوریه (مثل عربستان، قطر، امارات به‌همراه امریکا و انگلیس) و برخی دیگر فقط در عراق عملیات خود را اجرائی کنند. اما در میان این ائتلاف، امریکا و انگلیس تنها کشورهایی بودند که در رتبه رهبری ائتلاف برای خود حق حضور در عراق و سوریه را به‌شکل هم‌زمان تحت عنوان مبارزه با داعش تدوین کرده بودند. با دگرگونی‌های میدانی در میان کشورهای عضو ائتلاف به‌تدریج فرانسه نیز علاوه بر عراق در بخش‌های کردنشین سوریه حضور یافت.

محور اصلی انگیزه تشکیل ائتلاف بین‌المللی علیه داعش به رهبری امریکا مبارزه با داعش و جلوگیری از بسط و گسترش و نفوذ این مجموعه تروریستی در سوریه و عراق بوده است.

ائتلاف بین‌المللی ضد داعش به رهبری امریکا با تعطیل کردن تمام دفاتر خود در عراق، پایان عملیات نظامی خود علیه گروه تروریستی داعش در این کشور را اعلام کرد.

در بیانیه منتشر شده از سوی فرماندهی نیروهای زمینی ائتلاف آمده است طی مراسمی که روز دوشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ در بغداد برگزار شد، تمام مراکز فرماندهی عملیات «عزم راسخ» در عراق تعطیل شده و این به معنی پایان عملیات‌های اصلی علیه داعش در عراق، تغییر ترکیب و مسؤولیت‌های ائتلاف است.

چندی پیش نیز وزارت امور خارجه انگلیس در واکنش به تصمیم امریکا برای خارج کردن نیروهای خود از سوریه اعلام کرد که تحولات در سوریه به معنای پایان ائتلاف بین‌المللی ضد داعش نیست.

در حال حاضر داعش شکست خورده و به‌شدت تضعیف شده است اما با این وجود، بازگشت داعش غیرممکن نیست.



داعشی های اسیر در روژآوا

بدران چپا کرد مشاور خود مدیریتی دمکراتیک شمال و شرق سوریه گفت: با کارزار باغوز، حاکمیت سرزمینی داعش پایان گرفت، اما داعش به منظور یافتن فرصتی جهت سازماندهی مجدد خود مترصد وضعیت بحرانی بوده و در این راستا است که تهدیدهای ترکیه به منظور حمله به این مناطق امید بخش داعش است. به همین دلیل است که سازماندهی خود را مجدداً برقرار کرده و دست به طراحی زده و از فرصت استفاده می‌نماید.

در رابطه با وضعیت تبهکاران داعش که در زندان‌های خودمدیریتی قرار دارند و نیز وضعیت همسران و فرزندان آن‌ها در کمپ‌ها نیز چپا کرد اظهار داشت: این امر مسأله‌ای دشوار است. خودمدیریتی مجبور است که نسبت به تمامی نیازمندی‌ها و احتیاجات مختلف این افراد داعشی پاسخگو باشد. ما از کشورهای مختلف خواسته‌ایم که در اینبار به ما کمک کنند. به منظور محاکمه افراد داعشی نیز باید در روژآوا یک دادگاه بین‌المللی ایجاد شود.

برای محاکمه افراد داعشی باید تلاش‌هایی صورت پذیرد. به منظور محاکمه این افراد در شمال و شرق سوریه ما با کشورها و سازمان‌های فراوانی در حل مذاکره هستیم. محاکمه افراد داعشی نه فقط وظیفه ما بلکه وظیفه تمامی جهانیان است. همان‌گونه که ما از طریق ائتلاف جهانی و به اتفاق ما، داعش رو به نابودی رفت، لازم است که به منظور محاکمه ۱۲ هزار عضو زندانی داعش نیز تلاش‌های مشترکی انجام شود.

بدران چپا کرد، همچنین با تفصیل در رابطه با اینکه چه مسؤولیتی بر عهده چه کسی قرار گرفته و باید آن را به انجام برساند نیز گفت؛ محاکمه، آماده سازی زندانها، اتخاذ تدابیر لازم امنیتی، از مسائل لجستیکی و تکنیکی گرفته، همگی باید در سطح جهانی انجام شده و اگر در این میان محاکمه‌ای صورت نگیرد، اگر در رابطه با اسکان مجدد آن‌ها اقدامی صورت نگیرد، زندان و کمپ‌ها هم برای اعضای داعش به بستری برای سازماندهی بدل گشته و هم در میان مدت و بلند مدت برای جهانیان به تهدیدی بزرگ منتهی می‌گردد.

خانواده‌های داعش در اردوگاه‌ها خطری بزرگ به‌شمار می‌روند

روزان علوش ریاست مشترک امور بشری خودمدیریتی دمکراتیک شمال و شرق سوریه طی گفتوگویی با خبرگزاری فرات، پنجشنبه ۱۴ مارس ۲۰۱۹، اظهار داشت که در صورتی‌که برای حضور خانواده‌های داعشی در اردوگاه‌ها تدبیری اندیشیده نشود خطرات بزرگی به‌وجود خواهند آمد.

روزان علوش ریاست مشترک امور بشری خودمدیریتی دمکراتیک شمال و شرق سوریه گفت: راه حل برای همسران و فرزندان تبهکاران داعش، بخشی از مبارزه علیه داعش است. علوش در ادامه سخنانش افزود: در صورتی‌که تدابیر لازم برای این امر اندیشیده نشوند، فرزندان این تبهکاران ترور را جانی نو خواهند بخشید. علوش در ارتباط با افزایش

روزانه شمار خانواده‌های داعش اظهار داشت: اکنون نیروئی برای تامین امنیت و مایحتاج روزانه و آموزش آنان نداریم، از همین رو لازم است دولت‌های دیگر از آموزش و پرورش آن‌ها حمایت نمایند.

طی آن روزها، همسران و فرزندان تسلیمی تبهکاران داعشی که از دیرالزور و باغوز خارج شده‌اند در اردوگاه‌های عین عیسی، روژ، هول در منطقه خودمدیریتی دمکراتیک اسکان یافته‌اند. در مرحله عملیات آزادسازی باغوز شمار ساکنان کمپ هول به ۶۴ هزار و ۱۱۴ نفر رسیده است که از این میان ۶ هزار نفر متعلق به خانواده‌های تبهکاران داعش هستند. در کمپ عین عیسی نیز ۳ هزار زن و کودک وجود دارند که در میان داعشیان بود و در کمپ روژ نیز شمار این افراد به ۲ هزار نفر می‌رسد.

روزان علوش در بخش دیگری از سخنان خود افزود که در مرحله عملیات آزادسازی منبج زنان بسیاری از خانواده‌های داعش تسلیم آن‌ها شدند، در مرحله عملیات آزادسازی رقه نیز بسیاری از خانواده‌های داعشی تسلیم شدند. اکنون در سه کمپ عین عیسی، هول و روژ خانواده‌های تبهکاران داعش اسکان یافته‌اند. برخورد ما با زنان اندکی متفاوت است. عده‌ای به دلیل تبعیت از شوهران تبهکارشان، عده‌ای به دلیل بچه‌ها و برخی نیز بنا به باور خود به داعش پیوسته‌اند. برای تفکیک این سه گروه تلاش‌هایی در جریان است. اما قبل از هر چیز نوع برخورد ما با این افراد مبتنی بر معیارهای بشری است. اما در ارتباط با این افراد مشغول تحقیق هستیم. برخی به جرایم خود اعتراف کرده‌اند. کسانی که مرتکب جرم شده‌اند، قبل از آن‌که تسلیم شوند، ما از جرایم آنان آگاهی داریم. اما معیار ما بر این امر مبتنی است که خانواده‌ها را با اردوگاه‌ها فرستاده و افرادی را نیز که مرتکب جرم شده‌اند به مکان‌های ویژه بفرستیم. جای آن‌ها و پناهندگان منفک از یکدیگر است.

روزان به مشکلات این کمپ‌ها اشاره کرد که خانواده‌های تبهکاران داعش در آن ساکن بوده و اظهار داشت: در عین عیسی ما برنامه آموزشی را برای زنان برگزار کردیم. برخی از زنان نقاب از چهره برداشته اجازه دادند فرزندان‌شان به مدرسه بروند. اما بعد از مدتی زنی به نام «ام احمد مصری» به کمپ آمده و زنان دوباره نقاب زده و اجازه ندادند فرزندان‌شان دیگر به مدرسه بروند. زانی که به این شیوه به ترویج خشونت علیه زنان دیگر دست می‌زنند، مورد بازجویی قرار می‌گیرند. البته موارد از این دست فراوان نیستند. اما زنان بسیاری هستند که درصد رهایی از ذهنیت منحوس داعش بوده و خواستار شروع زندگی اجتماعی جدیدی هستند. از سوی دیگر، چون قادر به تامین برق تمامی کمپ‌ها نیستیم مشکلاتی به وقوع می‌پیوندند. اکنون از امکانات تامین الکتریسیته به‌طور روزانه برخوردار نیستیم. اما هنگامی که با چنین جرایمی روبه‌رو می‌شویم، زنان به زندان انتقال نمی‌یابند. از طرف دیگر نمی‌توانیم همه مجرمان را نیز به زندان انتقال دهیم. چون زندان بزرگی در اختیار نداریم. می‌خواهیم از زندگی عادی‌شان برخوردار شوند. اما زانی وجود دارند که می‌توانند تمامی کمپ‌ها را دچار اغتشاش کنند. این زنان از روحیه و طبیعت زنانه دور شده‌اند و خشونت‌ورزی را امری مشروع قلمداد می‌کنند.

روزان علوش در بخش دیگر از این گفت‌وگو اظهار داشت: اگر زنان سوری دچار جرمی نشده باشند، این زنان را به‌سوی خانواده‌هایشان می‌فرستند. زانی که دچار قتل نشده‌اند و در این کمپ‌ها تنها مانده باشند، خانواده‌هایشان برای تحویل آنان نزد ما خواهند آمد. اما تحقیق و بازجویی از این زنان چند ماه ادامه خواهد یافت. هنگامی که مشخص شود این زنان مرتکب جرمی نشده‌اند، آن‌ها را به خانواده‌هایشان تحویل می‌دهیم. برای زانی که از اتباع سوریه نیستند تلاش‌های بین‌المللی در جریان است. صلیب سرخ جهانی این تلاش‌ها را بر عهده دارد. کمیته امور بشری ما مرتباً و پیوسته به شیوه‌ای رسمی با دولت‌های دیگر در ارتباط است. تا کنون امریکا یک زن و دو فرزند، سودان ۶-۵ زن و فرزندان‌شان را برده‌اند. روسیه نیز چند خانواده را انتقال داده است. اندونزی زنان و فرزندان زیادی را انتقال داده

است. بلژیک نیز اعلام کرده است که زنان را منتقل کرده اما فرزندانشان را نمی‌برند. ما نیز اعلام نمودیم که یا باید تمامی افراد خانواده انتقال یابند یا راه دیگری را خواهیم یافت. فرانسه بازگشت و انتقال هیچ خانواده‌ای را نپذیرفت. در نتیجه دیدارها، دریافتیم که هیچ‌یک از این دولت‌ها به شیوه‌ای جدی با این مسأله تعامل ندارد. اکنون در ارتباط با آلترناتیو یک دادگاه بین‌المللی بحث و گفت‌وگو می‌شود.

زوزان علوش با اشاره به درهم شکستن داعش در بعد نظامی بر لزوم احداث مدارس ویژه برای زنان و فرزندان داعش تاکید کرده و گفت: در این رابطه استراتژی و طرح‌هایی را در دست داریم. اکنون با نیروهای ائتلاف دیدارهایی را در این رابطه انجام می‌دهیم. درست است که داعش در بعد نظامی شکست خورده است اما در بعد ذهنی همچنان ادامه دارد. باید برای تغییر نگرش خانواده‌های آنان تلاش‌های لازم انجام داده شود. این امر نیازمند بعد مالی و تخصص آموزشی است. لازم است خانواده‌های تبهکاران و پناهندگانی که در میان داعش بوده‌اند، بازپروری شوند. بازپروری این افراد نیازمند نیروهای متخصص می‌باشد. در کمپ‌های ما مدارس وجود دارند. در عین عیسی ۶ مدرسه وجود دارند که از این تعداد، ۵ مدرسه برای پناهندگان و یک مدرسه نیز برای فرزندان تبهکاران داعش دایر شده است. در کمپ روژ برای فرزندان داعش یک مدرسه وجود دارد، اما کمپ هولده فاقد مدرسه است. این مدارس جزو مدارس معمولی محسوب می‌شوند. اما این کودکان نیازمند مدارس ویژه هستند. در این راستا برنامه‌ها و طرح‌های فراوانی را در دست داریم. اما به تنهایی قادر به اجرای این برنامه‌ها نیستیم. نیروهای ائتلاف نیز بر این باورند که ما نسبت به اجرای این برنامه محق بوده و نیازمند پروژه‌های عظیم می‌باشد اما تاکنون در این رابطه کمکی نشده است. اکنون دیگر توانی برای تامین مایحتاج این افراد نداشته و نمی‌توانیم نسبت به آموزش آن‌ها نیز اقدام کنیم. شمار فرزندان داعشی بسیار است. این کودکان برای آینده می‌توانند مایه خطر باشند. اگر این کودکان بازپروری نشوند فردا در آینده‌ای نزدیک از طریق این کودکان سازمان‌های تروریستی جدیدی ایجاد خواهند شد. از همین رو لازم است که تمامی دولت‌ها نسبت به آموزش ویژه این کودکان تلاش نمایند. باید برای این مسأله راه‌حلی یافته شود.

گزارش ماه مارس ۲۰۱۹ دیده بان حقوق بشر سوریه

دیده‌بان حقوق بشر سوریه در آمار تازه‌ای از جنگ سوریه اعلام کرد که بیش از ۵۷۰ هزار نفر در این جنگ کشته شده‌اند. طبق گزارش ۱۱۲ هزار و ۶۲۳ نفر از کشته‌شدگان غیرنظامی بودند که بیش از ۲۱۰۶۵ نفر آن‌ها کودک و ۱۳۱۷۳ نفر زن بوده‌اند.

در هشت سال گذشته، ۶۶ هزار نفر از گروه‌های تبهکار داعش و تحریرالشام، شاخه القاعده در سوریه حدود کشته شده‌اند. این سازمان‌های تبهکار و دولت مرکزی سوریه در هشت سال گذشته به قتل‌عام، شکنجه و آواره نمودن شهروندان سوریه پرداخته‌اند. دولت سوریه با همکاری حکومت اسلامی ایران و حمایت روسیه، همکاری مستقیم حزب‌الله لبنان از یکسو و گروه‌های تبهکار داعش و تحریرالشام و ده‌ها گروه دیگر با همکاری مستقیم دولت ترکیه حدود ۱۳ میلیون شهروند سوری را در کشور خود و یا در کشورهای دیگر آواره کرده‌اند.

قیام‌های آزادی‌خواهانه خلق‌ها در سوریه با تاثیر از تحولات سیاسی منطقه خاورمیانه موسوم به بهار عربی، از ژانویه ۲۰۱۱-۱۳۸۹، با تظاهرات گسترده آغاز شد اما بعد با سرکوب‌های حکومت بشار اسد و دخالت کشورها و گروه‌های بنیادگرای اسلامی به جنگ ویران‌گر در این کشور تبدیل شد.



۴۰۰ میلیارد دالر هزینه جنگ داخلی ویران‌گر سوریه

به‌گفته سازمان ملل جنگ هفت ساله داخلی در کشور سوریه خسارت مادی بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دالر را در پی داشته است. در نشست‌هایی که از سوی کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیای غربی سازمان ملل (اسکوا) در ماه اوت ۲۰۱۸ برگزار شد نتایج جنگ ویران‌گر در کشور سوریه مورد ارزیابی قرار گرفت. طبق گزارش پایانی این نشست که با مشارکت ۵۰ نفر از کارشناسان امور بین‌المللی و سوریه برگزار شد جنگی که از هفت سال پیش در سوریه آغاز شده تاکنون ۳۸۸ میلیارد دالر به این کشور زیان وارد کرده است. نشست آماری از تعداد کشته‌های این جنگ ارائه نکرد و تنها به زیان‌های مادی و زیربنایی ناشی از جنگ پرداخت. طبق آمارهای قابل استناد در این جنگ حدود نیم میلیون انسان کشته شده‌اند و جبران زیان‌های مادی آن ۱۰ سال به درازا خواهد کشید.

آماري تکان‌دهنده از جنایات‌های ارتش ترکیه علیه مردم عفرین

سازمان حقوق بشر روزاوا در دومین روز کارگروه «پاکسازی نژادی و تغییر دموگرافی عفرین» سه‌شنبه ۴ دسامبر ۲۰۱۸ گزارشی را در مورد جنایات‌های بشری دولت ترک در حمله به عفرین ارائه کرد.



در این گزارش آمده است: «روز ۲۰ ژانویه ۲۰۱۸ / ۱ بهمن ۱۳۹۶ دولت غاصب ترک همراه با تبه‌کارانش به عفرین حمله‌ور شدند. از اولین روزهای حمله جنایات‌های جنگی فراوانی علیه غیرنظامیان صورت گرفته است. قبل از حمله ترکیه قریب ۹۰۰ هزار نفر در عفرین زندگی می‌کردند اما با آغاز حملات ۳۰۰ هزار نفر به حلب پناه بردند. طبق گزارشات مستدل در حملات دولت ترک ۱۶۴ زن، ۱۲۵ کودک خردسال و در مجموع ۵۱۲ غیرنظامی به قتل رسیده‌اند. ۳۵۰ هزار شهروند عفرین در پی حملات دولت غاصب ترک مجبور به ترک عفرین شدند. در مجموع ۸۰ درصد ساکنان خانه و کاشانه خود را ترک کرده‌اند.»

در گزارش تصریح شده است که طبق تحقیقات به عمل آمده ۶۲۳ نفر از جمله ۵۰ و ۱۳ کودک توسط تبهکاران دولت ترک در عفرین ربوده شده‌اند. همچنین تبهکاران دولت غاصب ترکیه به ۵۵ زن تجاوز کرده‌اند و ۲۰۷ زن را به قتل رسانده‌اند.

گزارش می‌افزاید که در همین مدت ۶۳ مرد به قتل رسیده و ۱۶۰ نفر دیگر زخمی شده‌اند. در مجموع ۵۶۰ مرد توسط جانین حکومت ترک ربوده شده‌اند. همچنین ۵۴ کودک توسط اشغال‌گران آنکارا کشته و ۷۱ کودک دیگر زخمی شده‌اند علاوه بر این ۱۳ کودک ربوده شده‌اند. تمامی آمار مذکور با مدارک مستدل قید شده و قابل اثبات هستند.

از سوی دیگر، سازمان دیدبان حقوق بشر سوریه- سوهر گزارشی را به کارگروه «پاکسازی نژادی و تغییر دموگرافی عفرین» ارسال کرد و در آن آمده است، پس از اشغال عفرین دستکم ۳۸۰ زن به قتل رسیده‌اند و صدها نفر غیرنظامی دیگر زخمی شده‌اند. همچنین به مهاجرت اجباری صدها هزار نفر اشاره شده است.

سازمان سوهر در ادامه خاطر نشان کرده است که دو هزار و ۳۸۰ غیرنظامی توسط تبهکاران حکومت ترکیه بازداشت شده و برای آزادی آنان درخواست فدییه شده است. هم‌اکنون ۸۴۰ نفر همچنان در حبس بهسر می‌برند. در گزارش از سازمان‌ها و جامعه بین‌المللی خواسته شده تا از فشارها و اشغال‌گری ترکیه ممانعت به عمل آورند.

ناظران بین‌المللی مدافع حقوق بشر، رویدادهای عفرین جنایت علیه بشریت نامیده‌اند.



دولت ترکیه و رئیس آن اردوخان که مدعی بودند عفرین را ظرف چند روز اشغال می‌کنند، با وجود همکاری تمام دولت‌های منطقه‌ای، جنایت‌کاران القاعده و پس مانده‌های داعش و کمک آشکار روسیه نتوانستند به هدف خود دست یابند و ۵۸ روز در برابر مبارزان زمین‌گیر شدند. این‌گونه بود که با سکوت سازمان ملل، مردم عادی بمباران شد. سازمان‌های به اصطلاح حقوق بشری هم در برابر قتل نوزادان عفرین از سوی جنگنده‌های ترکیه سکوت کردند. حمله هوایی به بیمارستان عفرین نقطه ننگی بر پیشانی تمام انانی شد که مدعی دموکراسی و حقوق بشر هستند و با اردوخان دست به یکی کردند. خلق برای جلوگیری از کشتار بیشتری که از سوی دولت‌های غربی، ترکیه، داعش، ایران و روسیه بر مردم عفرین تحمیل می‌شد مجبور به ترک شهر شدند. مقاومت عفرین از این پس وارد فاز تازه‌ای شد. اما جنگ در عفرین هنوز تمام نشده و مردم عفرین و خلق‌های روژاوا، همچنان علیه اشغال‌گران حکومت ترکیه به مقاومت می‌پردازند. این منطقه با وجود مقاومت تاریخی، زمانی اشغال شد که بیش از هزار رزمنده جان باختند و ۳۰۰ زن، کودک و سالمند جان خود را از دست دادند.

صدها هزار نفر از ساکنان منطقه مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند و از آن تاریخ تاکنون در کمپ‌هایی که در منطقه تاسیس شدند بهسر می‌برند. در این گزارشات مختلف آمده است که شهروندان عفرین از مناطق خود اخراج می‌شوند و اموال آنان غصب می‌شود.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر سوریه، در گزارش خود به بازداشت جوانان کرد از سوی نظامیان ترکیه پرداخته است. جوانان بازداشت شده مورد شکنجه و تحقیر قرار می‌گیرند و تنها در صورتی از مرگ نجات می‌یابند که فدییه پرداخت کنند.

گزارش سازمان مذکور به وضعیت آوارگان عفرین می‌پردازد و کمک‌های کمیسیون عالی حقوق بشر سازمان ملل به این آوارگان را ناکافی اعلام کرده است.

دستاوردهای تاکتونی روژآوا

حدود هشت سال است که در سوریه جنگ خونینی جریان دارد. در این مدت، نیروهای مدافع خلق روژآوا، نشان داده‌اند که به‌معنای واقعی پیکارگران راه برقراری آزادی، برابری، صلح و امنیت در منطقه هستند. آن‌ها نه تنها خواهان جنگی جدیدی نیستند، بلکه به‌شدت از جنگ و خونریزی متنفرند!

روژآوا در ۱۹ ژوئیه سال ۲۰۱۲-۲۸ تیر ۱۳۹۱، مهر خود را بر انقلابی کوبید که به امید خاورمیانه بدل گردید. روژآوا تاکنون برای آزادی سوریه، هزینه‌های زیادی را متحمل شده است. خلق روژآوا پیش از این انقلاب، همواره از سوی سیستم ملت-دولت سرکوب شده بود با نقد و رد این مسئله روژآوا انقلاب خود را انجام داد و امید و ایده‌های تازه‌ای از مبارزه و سیستم سیاسی را به تمامی خلق‌های تحت ستم منطقه به ارمغان آورد.

در سال ۲۰۱۰ در تونس، دستفروشی به نام محمد بوعزیز در مقابل اجحافی که به وی شده بود دست به خود سوزی زد و این مسئله هم سرآغازی برای خیزش مردمی تبدیل شد که به «بهار عربی» معروف شد. بهار عربی در سال ۲۰۱۱، به جامعه سوریه رسید. از آن تاریخ تاکنون به تدریج سراسر سوریه غیر از روژآوا، به تاخت تاز ارتش و نیروهای امنیتی حکومت مرکزی سوریه و مخالفان آن تبدیل شد و با ورود دولت‌ها و گروه‌های فاشیستی و تبهکار اسلامی، مسیر مبارزه بر حق و عادلانه مردم سوریه علیه حکومت منحرف شد و به یک جنگ تمام عیار داخلی و خانمانسوزی تبدیل شد که هنوز هم این وضعیت هولناک و مرگبار ادامه دارد. اما روژآوا مسیر دیگری، یعنی خط سوم را برگزید و نه با حکومت مرکزی و نه با نیروهای مخالف بلکه به طور مستقل وارد انقلاب شد و آن را به ثمر رساند و خاری شد در چشم دولت‌های سرمایه‌داری جهان و منطقه و همچنین گروه‌های ارتجاعی ملی-مذهبی!

در واقع طرح نخست دولت ترکیه، این است که از طریق تهاجمات پی‌درپی داعش به روژآوا در این سال‌ها، یگان‌های مدافع زنان و یگان‌های مدافع خلق را شکست دهد و یا دست کم تضعیف کند و سپس با ضربات نظامی خود، سیستم دمکراتیک و مردمی روژآوا و همه نیروهای دمکراتیک سوریه را نابود سازد. دست آخر با اشغال متعددی در شمال و شرق سوریه و روژآوای کردستان، طرح دولت ترکیه مبنی بر تغییر ساختار دموگرافیک روژآوا را عملی گرداند. اما در این هفت و هشت سال جنگی داخلی سوریه، نیروهای مدافع خلق روژآوا نه تنها همه طرح‌ها و نقشه‌های حکومت ترکیه و نیروهای تروریستی حامی آن همچون داعش را به شکست کشانده‌اند در عین حال سیستمی را پایه‌گذاری کرده‌اند که مدل بسیار مناسبی برای تغییرات کل خاورمیانه محسوب می‌شود.

بنابراین، اکنون نیز تردیدی نیست که نیروهای قهرمان و جسور زن و مرد و پیر و جوان روژآوا با حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی خود، این‌بار نیز نه تنها این جنگ تحمیلی ترکیه را دفع خواهند کرد، بلکه عفرین را نیز از اشغال نظامی ترکیه و گروه‌های تروریستی آن پاک خواهند کرد.

قبل از انقلاب روژآوا، زنان در درون یک سیستم ظالمانه و نابرابر زندگی می‌کردند، اما بعد از این انقلاب، روژآوا به امیدی برای همه زنان جهان مبدل شد. چرا روژآوا در تمامی بخش‌ها و مراحل این انقلاب نقش خود را با سرافرازی

ایفا کرده و دستاوردهای بزرگی کسب کرده‌اند. زیرا انقلاب روژاوا، در عین حال انقلاب زنان است. این سیستم که با پیشگامی زنان در روژاوا تاسیس شده است از همه سیستم‌های دیگر سرمایه‌داری جهانی پیشرفته‌تر و برابری‌طلبانه‌تر است: هم از لحاظ دمکراتیک و هم از جهت جایگاه زنان در سیستم.

با این وجود، انقلاب روژاوا همچنان نیازمند تلاش‌های فراوان و نقدهای صمیانه کمبودهای و اشکالات آن نیاز دارد. تحقق انقلاب در هر گام خود، تغییر، تحول، شکوهمندی و بالندگی را به‌دنبال داشته، و گام‌هایی که در این راستا برداشته می‌شوند تداوم این انقلاب و تثبیت آن را تضمین می‌کنند. چنین امری نیز نیازمند نقدهای اساسی و سازنده، سازماندهی بی‌وقفه، سیستم‌سازی و تعهد به آرمان‌ها و استقامت بوده و در مواجهه با هر مانع و دشواری، روحیه جمعی سرشار از امید را باید همچنان تقویت کرد و به مبارزات رهایی‌بخش زنان، جوانان، کارگران، روشنفکران، هنرمندان و همه خلق‌های تحت ستم ارزش و احترام ویژه‌ای قابل شد و در همبستگی با آنان و پیوستن به صفوف این پیکارگران و جویندگان را آزادی، همواره پیش‌قدم شد.

در حقیقت انقلاب روژاوا با همه کمبودها و موانعی که بر سر راه خود داشت و هنوز هم دارد اما با سیستم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، دیپلماتیک، فرهنگی، نظامی، دفاعی و سیستم آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه زنان نه فقط برای روژاوا، بلکه برای سراسر سوریه و تمامی خلق‌های منطقه و با در نظر گرفتن ویژه‌گی‌های هر جامعه، می‌تواند مشکلات و مسائل این جوامع را حل و فصل نماید و مردم را به‌سوی برپائی یک جامعه آزاد، برابر، عادلانه بدون تبعیض و سرکوب و استثمار رهنمون سازد!

طبق بیانیه فرماندهی کل نیروهای سوریه دمکراتیک، «مظلوم عیدی»، مردم پیکارگر کرد و دیگر خلق‌های منطقه در این نبرد آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانه، بیش از ۱۱ هزار جان‌باخته را برای حفظ این انقلاب تقدیم کرده است! باید راه این عزیزان جان‌باخته را ادامه داد!

جمع‌بندی

با آغاز جنگ سوریه، ترکیه بلندپروازی‌های خود را مبنی بر الحاق بخش‌هایی از سوریه مخفی نکرده است. دولت ترکیه بخش‌های بسیار بزرگی از خاک سوریه و روژاوا را از جمله، ادلب، عفرین، عزاز، جرابلس و الباب را به اشغال خود درآورده است. متعاقباً افراد بسیاری، خصوصاً از کشورهای ترک در آن‌جا اسکان یافتند. این سیاست به‌عنوان بازتابی از سیاست «نخست استقرار و سپس اشغال» قابل تفسیر است.

اکثر جهادیون با خانواده‌های خود به داعش پیوسته‌اند. همگی این افراد مسیر مشابهی را طی کرده و به ترکیه سفر کرده‌اند. از آن‌جا وارد سوریه شده‌اند. نکته قابل توجه آن‌که جهادیون کشورهای ترک‌زبان از صحبت کردن در باره این که چگونه از ترکیه به سوریه انتقال داده شده‌اند، خودداری می‌کنند. اما اکثریت تسلیم‌شدگان داعش می‌گویند که آن‌ها به سادگی اجازه اقامت در ترکیه را اخذ کرده و با آغاز جنگ سوریه به این کشور اعزام شده‌اند. بیش‌تر جهادیون در مقابل این پرسش که چرا به سوریه آمده یا در سوریه چه وعده‌ای به آن‌ها داده شده بود؛ اظهار داشتند که: به ما گفته بودند که در آن‌جا کار، زمین، ثروت و همه چیز مهیاست.

دولت ترکیه مدت‌هاست که خواهان ایجاد «منطقه‌ای امن» در شمال سوریه است که تنها تحت کنترل ترکیه باشد. اردوخان در صدد است میلیون‌ها پناهنجوی سوری را نیز با هدف تغییر بافت اجتماعی منطقه، به آن‌جا منطقه منتقل کند.

مردم و نیروهای سیاسی-نظامی روژآوا، برنامه‌های اردو خان را خطری برای «امنیت و ثبات» در منطقه و حامی «تروریست‌ها» می‌دانند. رهبران این منطقه، هم‌زمان از جوامع بین‌الملل درخواست کرده‌اند که دولت ترکیه را از برنامه عملیات تهاجمی‌اش منصرف سازند.

اکنون همه دولت‌های درگیری در جنگ داخلی سوریه، مستقیم و غیرمستقیم، خواهان نابودی سیستم دموکراتیک و خودگردان و مردمی روژآوا هستند.

در چنین شرایطی، جنبش‌های اجتماعی و نیروهای آزادی‌خواه، برابری‌طلب، ضدجنگ و چپ، وظیفه آگاهانه و داوطلبانه دارند تا از هر امکان در دسترس به حمایت از مردم روژآوا و نیروهای مدافع خلق کرد و سوریه دموکراتیک بریزند و هم‌زمان اگر هم انتقادی به عملکرد تاکنونی این نیروها دارند در جای خود و در فضائی دوستانه مطرح کنند! اگر این جنگ آغاز شود مرزی به طول ۶۰۰ کیلومتر به منطقه جنگ مبدل خواهد شد. یعنی در سوریه جنگ دوم داخلی روی خواهد داد. استراتژی ترکیه، این است که گرسپی و کوبانی را اشغال کرده و بایستد.

در جنگ علیه داعش توافق مشترکی بین نیروهای مدافع خلق روژآوا و امریکا به وجود آمده بود اما مدت‌هاست که این موضع با شکست داعش در رقه به پایان رسیده است. گاهی شرایطی در موقعیت جنگی پیش می‌آید که دوست و دشمن با هم به یک توافق تاکتیکی می‌رسند. اکنون جنگ داعش در مناطق رقه و دیرالزور پایان یافته و داعش شکست خورده است. در صورت حمله ترکیه به نیروهای مدافع خلق در روژآوا نه تنها هزاران داعشی زندانی آزاد خواهند شد، بلکه هسته‌های مخفی داعش با حمایت ارتش ترکیه مجدداً به صحنه‌های جنگی سوریه برخواهند گشت و عملاً جنگ نیروهای روژآوا با داعش نیز قطع خواهد شد. داعش در چنین شرایطی، بار دیگر نیرومندتر خواهد شد.

نیروهای ائتلاف بین‌المللی متشکل از ۷۳ کشور هستند. احتمالاً هیچ یک از آنان نیز نمی‌خواهد مجدداً داعش ظهور کند. این مسأله‌ای بین‌المللی است و محدود به توافق بین نیروهای مدافع خلق روژآوا و امریکا نمی‌شود. به همین دلیل، احتمالاً اکنون از سوی جوامع بین‌المللی فشارهایی جدی بر ترکیه وارد شود. اما این فشار در اشغال عفرین توسط ارتش ترکیه و گروه‌های تروریستی همراهش، دیده نشد.

ناظران سیاسی براین باورند که زمینه استقرار بسیاری از این افراد و خانواده آن‌ها از کشورهای ترک زبان آسیای میانه به‌عنوان هدفی برای تامین اطمینان غلبه داعش بر تمامی منطقه و سپس اشغال این منطقه به بهانه مقابله با داعش در جرابلس، عزاز و در نهایت کنترل تمامی منطقه از طریق مستقر نمودن این افراد از کشورهای ترک زبان بوده است.

طبیعتاً هر انسان واقع‌بین و آگاه به مسائل منطقه، بر این نظر است که حکومت و ارتش ترکیه، از حامیان جنگ و ترور و خونریزی و تروریسم هستند. ترکیه آرامش موجود در منطقه خودگردان را همانند تهدیدی علیه خود می‌بیند. با تهدیدات خود خواهان بازسازی نیروهای مخفی داعش است. در صورت حمله به این منطقه، نه تنها امنیت منطقه خطرناکتر خواهد شد، بلکه هزاران زندانیانی داعشی از زندان‌ها گریخته و مجدداً خود را بازسازی خواهند کرد. در نتیجه امنیت منطقه به وضعیتی خطرناکتر از گذشته گرفتار خواهد شد.

زنده و پاینده باد پیکارگران روژآوا!

سه‌شنبه سیزدهم مهر [میزان] ۱۳۹۸- هشتم اکتوبر ۲۰۱۹